

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

از کان مرکزی بصورت ماهنامه ملی ایران

در حاشیه پیام دکتر شاپور بختیار

هادی یزاد

در حاشیه کتاب رابرت هایزر

سیاست بین المللی

و اراده ملت ایران

مأموریت در تهران

رسیده و این سوی کتاب های بسیاری است که در هر یک، فصل یا فصل های سه " انقلاب ایران " اختصاص یافته است. در جمع نویسندگان کتاب ها، از زو سالی کشورها و دولتمردان عالیرتبه تا مفسران طراز اول، کارشناسان مؤسسه های تحقیقاتی استراتژیک، استادان دانشگاه و متخصصین برجسته در مسائل خاورمیانه و ایران و حتی ماء موران اطلاعاتی و امنیتی و خلاصه از تمام قشرهای سیاست پیشه یک یا چندچهره را می توان یافت، ولی حقا " باید گفت که کتاب ژنرال رابرت هایزر، معاون پیشین فرماندهی نیروهای (نا تو) و امیرفلا باز نشسته ارتش ایالات متحده، گرچه بشرح جوادت زبان تریبی از آن روزهای طوفانی تعلق گرفته است برسانا ترها ای مشابه رجحان دارد و دلیل عمده اش این است که نویسنده نه در مقام ناظری که از کتا رصحنه نگاه می کند و یا تحلیل گری که ناچار است مملوفا ت خود را از اطلاعات این و آن بدست آورد و نه حتی در موضوع شخصی که بنا بر تمام دغدگیان واقعه ای قرار می گیرد، بلکه بعنوان یک ماء فور برجسته که موظف است بر جریان حوادث اثر بگذارد، به نقل مشاهدات و روایات نشسته است که مسلمان " بسودن آگاهی آن ها، هرگونه تحقیق در عمل فاجعه ای که ایران و منطقه را به آتش کشیده است، ناقص می ماند.

در تحلیل فاجعه ۵۷ (۱۹۷۹) - گذشته از مقاله ها و رساله های بیشمار، تاکنون بین ۲۵ تا ۳۰ اثر مستقل بقلم نویسندگان خارجی و عمدتا " امریکایی به بازا رکتاب

اما آنچه شگفتی دارد، این است که نگاه خوشبایران و سادها ندیشانی چند، در دام این نیرنگ می افتند. بقیه در صفحه ۳

رژیم تهران برای بیسرون آمدن از بن بست که در آن افتاده، تلاش مرکبای را آغاز کرده است. هدف او نجات خویش است، اما دست و پا زدنهای او به جای آنکه به نجاتش بینجامد، کشور را به سوی نیستی می کشاند.

امروز اوضاع بین المللی، چنان که آشکارا می بینیم، آشفته تر از آن است که دستی از گوشه کشور برای نجات رژیم در سرزمینی دیگر برآید و کاری از پیش بربرد. با اینکه رژیم تهران، که هنوز هم خود را بیگانه ستیزترین حکومت های جهان نشان می دهد، در عین حال می خواهد چنین وانمود کند که بیگانگان همگی - از کوچک و بزرگ - بوزش غفلت های گذشته او را می خواهند دست یاری و دوستی به سوی او دراز کرده اند.

ولی چون نیک بنگری، تصویر درست عکس این است، این رژیم تهران است که در تلاش عبث برای نجات خویش - چه از گرداب جنگ و چه از گرداب بحران اقتصادی - به دست و پا افتاده، این در آن درمی زند و در یوزگی می کشد. رفسنجانی برای بدست آوردن اسلحه آمریکا که در زمان شاه خریده شده بود، فقط گریه نکرد، وی در سخنرانی نماز جمعه ای رویه آمریکا گفت: اسلحه دارد در انبارهای شما زنگار می خورد، پولش را هم که گرفته اید، پس چرا آن را تحویل نمی دهید؟

با وجود این، به ازاء خرید محموله ای چند، جمهوری اسلامی دلارهای تازه نفتی به حسابی در بانکی سوئیسی ریخت و هیچ به روی خود دنیا ورد که پول سلاحها در گذشته پرداخته شده بود.

بدیهی است که دولت های جهان می خواهند از داغترین و بیرونق ترین بازار اسلحه ای که جنگ جمهوری اسلامی با عراق بوجود آورده است، سهمی هر چه بیشتر داشته باشند، و شگفتی نداشت که جمهوری اسلامی در صدد است این گرمی با زار اسلحه را چنان جلوه دهد که گوئی با زار سیاسی خود او به تا زگی گرم شده است.

حکومت شیطانی

و حکومت رحمانی!

حسینعلی مشکان

از روحانیون ساخته نیست.

مرحوم باکروان، نظریه تربیت خاصی داشت تصور می کرد هر آخوندی ابسا ذر غفاری و شیخ مرتضی انصاری است. نمی دانست آخوندهایی هم پیدا می شوند که در دغلاکری و دروغو بی شیطان را درس می دهند و وقتی وارد گود سیاست شدند تا زده معنی دغل و دروغ را بدنیا خواهند فهمانید.

بقیه در صفحه ۱۲

در خرداد ماه ۴۲ وقتی آیت الله خمینی را با زدا شت کردند و به تهران آوردند مرحوم سر لشکر باکروان ریاست سازمان امنیت را بر عهده داشت. ضمن ملاقات با آیت الله خمینی، باکروان که سردی نجیب و خوش فطرت بود به او می گوید: سیاست بدر روحانیون نمی خورد، چون در سیاست گاهی انسان مجبور میشود دروغ بگوید و حقایق را وارونه جلوه دهد و او این کار

ملی گرایی خلاف اسلام است

رده های گوناگون، از اوائل انقلاب اسلامی تا کنون، مرور کنیم، به این نتیجه می رسیم که ملیت در سلسله مراتب ارزش های این رژیم از اهمیت برخوردار نیست.

آیت الله خمینی، در همان روزی که در حدود یک میلیون ایرانی پر مزارش دروان مصدق گرد آمدند، گفت که " ملی گرایی خلاف اسلام است ". این گفته خمینی سپس شاعر ملی جماعت حزب الله علیه ملیون ایرانی شد و درود و دیوارهای تهران و شهرستان های ایران را سیا کرد.

محمد حسین بهشتی در سخنرانی ها و بحث ها پیش خسته از این نمی شد که ملیت را به عنوان امری عرضی در برابر مذهب می گفت ملیت، اگر نتوانست خود را با دین سازگار کند، تحمل پذیر است، اما اگر قرار باشد انسان میان این دو یکی را انتخاب کند، در انتخاب دین و کنار نهادن ملیت درنگ روا نیست. نتیجه می گرفت که انقلاب اسلامی انتخابی است، نه دینی است و وقوع آن در ایران فقط نقطه حرکت جغرافیایی آن را تعیین می کند. می گفت رسالت انقلاب اسلامی، جهانی است و ناسیونالیسم ایران اگر به این رسالت لطمه نزند، دست کم حرکت آن را کند و خواهد کرد، و به حال با بد آن را در سایه فراموشی گذاشت.

محمد علی رجائی، نخست وزیر و رئیس جمهوری پیشین اسلامی، در کرام گرم جنگ گفت که: " ما برای یک تکه خاک نمی جنگیم، برای اسلام می جنگیم ".

بقیه در صفحه ۱۱

هنگامی که می گوئیم حساب با ایران از رژیم که اکنون بر ایران حکم می راند جدا است، این را نباید به عنوان شعاری تبلیغاتی تلقی کرد. هنگامی که می گوئیم رژیم خمینی خدایرانی است، فقط برای این نیست که عواطف ملی ایرانیان را علیه این رژیم برانگیزیم، این رژیم بر حسب ماهیت، بر حسب گرایش ها و بر حسب هدفهایش با منافع ملی ایران ناسازگار است.

اگر گفته های سردمداران رژیم را از

روزنامه ملیت: قاتلان سربازان نهضت مقاومت ملی شناخته شدند

وسر هنگ حاد مدمنفر در ا به قتل رسانند. اعضای گروه تروریستی رژیم اسلامی به نام های سروان محمد طرافت کار، بورانی وزنی بنام اباحه قصری بنا به گزارش مسئولان امنیتی ترکیه، خانه های متعددی برای اختفا و طرح ریزی عملیات تروریستی در اختیار داشته اند که همه آنها کشاف و شناسایی شده است. آنها پس از انجام آخرین ترور خاک ترکیه را به سوی جمهوری اسلامی ترک گفته اند.

بقیه در صفحه ۳

دیپلماسی دروغ

در صفحه ۳

رسالت انقلاب اسلامی!

در صفحه ۴

کابوس هولناک

حکومت ریگان با نخستین بحران سیاسی خود، که در عین حال بزرگ ترین بحران آن نیز هست، دست و پنجه نرم می کند.

برخی مفسران، این بحران را با بحران واترگیت که نیکسون را به کام کشید، یا با بحران گروگانگیری که کارتر را از نفس انداخت، مقایسه می کنند. هنوز روشن نیست که بحران کنونی حکومت آمریکا چه ابعاد و دامنه ای خواهد داشت و پیامدهایش بدقت چه خواهد بود. ولی هنگامی که حکومت آمریکا دستخوش بحرانی جدی می شود، نورافکن ها بر آن بیشتر از آن می تابند که روی دیگر سکه در رسانه های هنگامی جلوه خندان کند. در مورد اخیر، روی دیگر سکه همان نبرد قدرتی است که در جمهوری اسلامی از مدت ها پیش وجود داشت و اکنون، در پرتو رویدادهای تازه، ابعاد جدی برجسته ترو خطوطی روشن تر پیدا می کند.

بقیه در صفحه ۴

حکومت برضای مردمی وطن - زنده باد ایران

بقیه از صفحه ۱

انگس و او نشانی را بین کتاب دریا رویا (حتی پیش از نشر آن در آمریکا) و توجهی که در وسایل ارتباط جمعی این قلمساره برانگیخته است خود دلیل اعتبار و ارزش مطالبات و جنبه‌های راهنمای آن در مقامی با سایر کتاب‌های مشابه است و به نویسنده حق می‌دهد که تا ادعا کند از مجموع آثار او مقلاتی که در بسیاری از مواقع ۲۰ درصد مطالب آن‌ها را مطابق واقع یافته است.

صراحت، وسواس در شرح موبموسوی برخوردارها، بیطرفی محض در قضاوت، نشانه‌های آشکار از نظم فکری در کشف ارتباط و قیاس، تمایز و زینت‌نشدن از ناسامانی‌های حاکم بر مسامحه از تصمیم‌گیری در دستگاه دولتی کارتر و به موازات آن حکایات تکان‌دهنده از تزلزل روحیه خودبیاختگی سران سطح اول ارتش ایران که اندیشه‌های جز فرار از مملکت در سر نیز برده اند و در انجام توصیفی جانداران زفرور بخش لحظه به لحظه ای بنا شده که به نظر هر یک از گروه و آراسته است و به باطن پیوسته و بی‌آب نشده. به کتاب چنان ارجح و اعتباری می‌بخشد که اگر نویسنده به جای عنوان "موریت" اش، عنوان "پرنجینه و سنگینی" مثلا، را از سقوط یک نظام را انتخاب می‌کرد، بهانه‌ای برای ادعا و اعتراض در میان نبود، بلکه ناگفته معلوم است که آن تقاضای رژیم‌تنها معلول حوادث آن چند هفته نبود، از عوارض زمینی ریشه می‌گرفت که هر کدام طی سال‌ها به سهمی در پوساندن بنا نقش داشته اند ولی یک خواننده هوشمند، در همان تصویر دقیق که کتاب از جو فرماندهی ارتش (تنها ابزار اقتدار و دوا رژیم) به او می‌دهد، خود سر رشته‌ی تحقیق را پیدا می‌کند و به سایر عوامل مل‌ها پل می‌زند و یک راست به مقصد می‌رسد.

در حاشیه کتاب رابرت هاینز

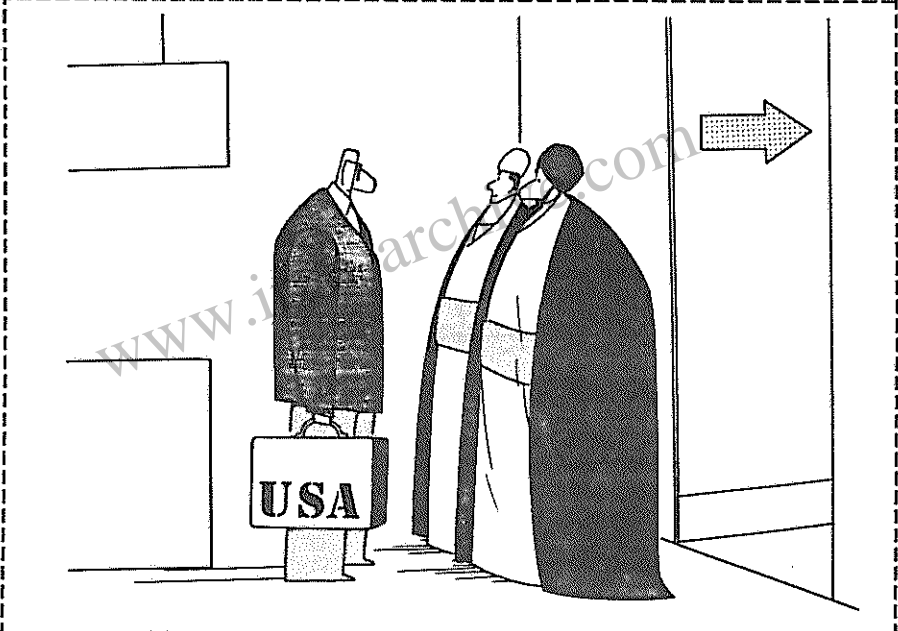
مأموریت در تهران

ضمن اولین دیدار با سالیوان (سفیور وقت آمریکا)، احساس می‌کنند که "سفیور" از مأموریت او ناراضی است، در همان لحظه که با او مشغول دست دادن است، نام‌های هم‌دردش می‌گذارد، ساپروس و ونس (وزیر خارجه) در این نامه پیام داده است "تا اطلاع ثانوی به هیچ کاری دست نزنید." - ها بزرگ‌زای پیام می‌خورد ولی پیدا است که "سفیور" آنقدرها از این "سفارش" ناخشنود نیست. معذرت‌آمیز وظیفه خود را با او در میان می‌گذارد، بازتاب موافقی نمی‌بیند و عکس سفیر را خونریزی به او می‌گوید: "ارتش متلاشی است، کاری از پیش نخواهد برد، بختی را هم برای تشکیل کاربینه بهبود یافته تلاش می‌کند چون شکست خواهد خورد."

برای ها بزرگ‌زای این جمله آخر شگفت‌انگیزتر است چرا که "بختی رهنوز

برداشت بختی را این بوده است که "در واشنگتن سیاست روشنی وجود ندارد، اطلاعاتی که توسط سفیر آمریکا، سی. آی. ا. و دیگران و در آن او از ژنرال ها بزرگ جمع آوری می‌شود و به روی میز کارتر می‌رسد، هر کدام دیگری را خشنود می‌کند." و عجیب است که حالا (یعنی چند سال پس از واقعه) ها بزرگ‌زای این استنباط را به صورت نقل از یک واقعه می‌سلم با الفاظی مشابه مطرح می‌کند:

"در اولین جلسه سفارت متوجه شدم وزارت خارجه آمریکا، پنتاگون، کاخ سفید و سفارت آمریکا در تهران از حوادث ایران هر کدام تعبیر خاص خود دارند." - با این همه ژنرال، همچنان در اندیشه‌ی راه جویی است بنا به نظر سفارش رئیس جمهوری ناچار است در خط خود براند: با تک تک فرماندهان ارتش بگفتگویی نشیند، به احتمال زیاد



بازی را شروع نکرده است. ژنرال درویدها و تماس‌های بعدی بیش از پیش حس می‌کنند که رفتاری دارد در تفاهات که قوای تصمیم‌گیری کشورش را به هم پیچانده اند، غرق می‌شود. پیشنها دولتیوان درست در مقابل سفارش رئیس جمهوری این است که: "بیانیم از بختی رچشم بی‌شویم و به مهدی بازرگان فکر کنیم" - او عقیده دارد که با بزرگان با خمینی نزدیک است و خمینی "به مقام روحانی خود اکتفا خواهد کرد و قدرت را به بازرگان خواهد سپرد."

پیش‌داوری‌ها و پیش‌بینی‌هایی چنین قاطع و در عین حال شگفت‌انگیز، برای ها بزرگ‌زای است، تا بخود بقبولاند، "قریبانی اختلافات سفیر و او شگفت‌کننده است."

در اینجا اشاره به نکته‌ای لازم است که آن چه در قلب معرکه بقین ژنرال رانست به ساختن با خت سالیوان و بازرگان برمی‌انگیزد، همان موقع، در ذهن بختی ر نیز به "استنباطی" قوی تبدیل می‌شود و این حقاً نکته‌ی جالبی است. بختی ر در کتاب خود در باره دومین ملاقاتی که با سالیوان داشته است می‌نویسد:

"... سالیوان چند روز بعد با زبده دیدار من آمد... ولی هدف او از این ملاقات چیز دیگری بود، زود هم مقصود خود را عنوان کرد، می‌خواست بدانند که من کنار آمدن با بختی و دیگرانی چون بازرگان و میناچی را نافع می‌دانم یا خیر؟... اما میناچی چه صیغه‌ای بود؟ از کجاست می‌آمد؟ چه کاره بود؟... من میناچی را نمی‌شناختم کاری هم با او نداشتم، بعد فهمیدم که او آدم بی‌ارزشی است که راه‌کی به سفارتخانه می‌آید آمریکا دارد و رابط بین بازرگان و آن سفارتخانه است."

گذشته از این، بختی ر در گریودارها، تنها از طریق پاره‌ای نشانه‌ها به استنباط جدی ترومهم‌تری می‌رسند، استنباطی که حالا به صورت یک امر واقع "مستند" از قلم ها بزرگ‌زای می‌کند.

(چنانکه از فحواي نوشته‌ی او بر می‌آید) پیش‌خود فکر کرده است که اگر بتواند ارتش را جمع و جور و آماده کند، خود بخود موفق خواهد شد، تفاهات موجود را نیز حل کند ولی متأسفانه از خودبیاختگی و تزلزل روبروی خود احساس می‌کند که "کلید معما" ارتش خود به معمای پیچیده‌تری مبدل شده است.

کتاب ها بزرگ‌زای "نوعی والیته از روشن‌ترین انواع" وقایع نگاری و "خاطره‌نویسی" است، پس طبیعی است اگر به جستجوی دست‌نهایی به ریشه‌ها و عوامل نهادهای فاجعه وارد نمی‌شود، ولی در همان خط "وقایع و خاطرات" آنقدر دقیق و کاوشگرانه پیش می‌رود که زحمت عمده‌ای برای علت‌یابی باقی نمی‌گذارد.

ها بزرگ‌زای آشنا می‌گردد که پیش‌پیش به وضع ارتش پیدا کرده، آگاه است که اگر شاه مملکت را ترک کند، امیران ارتش او نیز خواهد رفت زیرا نه تنها درجه و قدرت حتی سلامت‌شان خود را هم منوط به وجود حضور شاه در ایران می‌دانند "و بی‌درنگ نتیجه می‌گیرد: با رفتن شاه و ژنرال‌ها ارتش مضحل خواهد شد."

اوبا ساختمان روحی امیران شاه آشنا است و مثلاً می‌داند:

"غرور مفرط در حدی که در هیچ نقطه‌ی دیگر دنیا نظیر ندارد در در همان حال میل به فرار از مسئولیت که این یک نتیجه‌ی هراس‌ناکه است و اینکه ننگه‌دهی خلاف سلیقه‌ی او بردارند" صفت مشترک تمام آن‌ها است.

ها بزرگ‌زای این اطلاعات قبلی است که مخصوصاً در گریودارها صراحتاً به ترک مملکت، تشدید ضعف "فرماندهان" ارتش او را حدس می‌زند ولی فقط هنگامی که روی روی می‌آید آن‌ها بگفتگویی نشیند، بی‌می‌برد که در حدس خود کسر آورده است، زیرا آنچه به حضرات داده، حالتیما فوق ضعف خودبیاختگی است.

سؤالات آن‌ها گاه چنان پرت است که

آشکارا از گسیختگی‌های روانی ایشان روایت می‌کند. در تمناها شان دقیقاً آنها را اختلالات عصبی نمایان است. گوشتی خمینی در خاک آمریکا دست به انقلاب زده است. به طعنه زها بزرگ، آن هم بتکرار و تکرار سؤال می‌کنند: "این امریکای کبیر چرا خمینی را خا موش نمی‌کند؟"

از سخن پراکنده‌های (بی.بی.سی) سخت ترسیده اند و زها بزرگ منتظرند کار می‌کنند تا دهان بی.بی.سی دوخته شود. "پنجمین ارتش دنیا" به کلی از کار افتاده است، سوخت ندارد. طی سال‌ها هیچ یک از سرداران فکرنکرده است که اگر اعزامی سفر ت و حادثه‌های رخ داد و وقت را خوابا بند، تکلیف این اشبه ما شین‌های جنگی و به قولی را "تجشان" خودروها "چه خواهد بود؟ پس این جا هم با زها بزرگ است که چرا ارتش ایران سوخت ندارد؟ - اتفاقاً در این مورد اقدام فوری ها بزرگ برای انتقال سوخت به وسیله هرکولس‌های آمریکا (از عربستان سعودی) تا حدودی مشکل را حل می‌کند ولی امثال این قدم‌ها برای جنبا نندن سرداران کافی نیست (امریکا با بدخیمی‌ها بخوابا بند). زبان مشترک آن‌ها زبان خدا حافظی و "ترک ولایت" است. همه می‌خواهند بروند و ژنرال تقی‌میر می‌کند، این جمع در مانده آرام کند و در جای خود بگهارد.

انهدام مشاعر در یک مورد فوق‌العاده ظاهراًست. ها بزرگ نظر می‌راند را در باره بختی ر می‌خواهد. پاسخ‌ها مشابه ولی به ابهام آمیخته است. تقریباً همه شان به شجاعت و باور دارند. فرماندهی نیروی هوایی معتقد است که "اومردن نیرومندی است ولی با وجود این که طوفان لحظه به لحظه شدت می‌گیرد و مملکت را به لبه پرتگاه می‌کشد، نگرانی بزرگ حضرات این است که بختی ر نخواهد در کارهای ارتش دخالت کند و وحشت آن‌ها درست از ظهورش ناشی است که اگر برقرار بود، کار به این مصیبت و درماندگی نمی‌کشید.

ها بزرگ‌زای آنکه از شبهه نگارش خود منحرف شود، در همان قالب نقل خاطرات تصویری فوق‌العاده روشن از کل نظام بدست می‌دهد، نظمی که تا روپودهستی یک ملت را در یک نقطه زده است و پیدا است اگر گره‌ها زشود، همه چیز فرومی‌ریزد. چنین نظمی بنا بر طبیعت خود آسیب پذیر است و لوبا رنگ و روغن، استوار و بهنجار جلوه‌اش دهند.

ارتش جزئی از این نظام بود که در عین حال با ساری از آن را نیز برعهده داشت ولی زیارتاً شیر مستقیم عوارض فسرده سالاری "علی رغم بوش زربخت خود از همه اجزاء" دیگر پیوسته تر شده بود. بی‌گفتگو بگریه ارتش از توانائی‌های فوق‌العاده‌ای بهره داشت. سطوح بود (و این را بعداً در تمام زمینه‌ها به وضوح ثابت کرد). اما در این که قشر فرماندهی هرگز فرصتی نمی‌داد تا آن ظرفیت‌های بالقوه، بالفعل شود.

ها بزرگ در نقل گفتگوئی واقعیست در دنا کی را بر ملا می‌کند: به مخاطب خود می‌گوید: - در این موقع حساس ارتش باید مسئولیت خود را بیاورد.

جواب می‌شود: - شاه فقط یک انسان نیست، او همه‌ی مملکت است.

امیر ارتش "واقعیست" را بیان می‌کند ولی از فهم واقعیست دیگری عاجز است که: (کانون مصیبت همین جا است). وقتی بنا می‌شود که ستون بنده می‌شود، با شکستن همان ستون سراپا فرومی‌ریزد. ها بزرگ در مدت اقامت خود هرگز جزیی لحظه‌ای با بختی ر و بر روی می‌شود و این نکته‌ای است که بختی ر با رها و با رها از هفت سال پیش تا کنون هر زمان که سؤالی در زمینه‌ی "مأموریت ها بزرگ مطرح شده، با قاطعیت بر آن تاکید کرده است ولی پیدا است که نه آن قاطعیت و نه این تا کید، هیچ یک لاف زن مغرض را از خلعت زشت خود با زنده شاد است. باید پذیرفت ظهور چنین موجوداتی نیز خود میراث همان نظامی است که حکایت از "اصول" را تحریم می‌کرد و به "اصل خدشنا پذیر خود" میدان می‌داد. اصلی که بموجب آن بریدن زبان نهایی حقوق در شما روایات قرار می‌گرفت. چه بسیار شنیدیم که گفتند: "ها بزرگ و بختی ر را خراج شاه را طرح ریختند." چه فراوان لاف‌نکرده "کارترها بزرگ

در حاشیه پیام دکتر شاپور بختیار

سیاست بین‌المللی

واراده ملت ایران

بقیه از صفحه ۱

خمینی به نمایندگان سرکش مجلس اسلامی خود گفت: مگر نمی بینید که آمریکا و فرانسه (وشوروی برای نزدیک شدن به جمهوری اسلامی روی دست یکدیگر بلند می شوند - پس شما چرا سرکشی مکنید؟

امروز دولت ها، سواي کوشش برای بردن سهمی از بار زار داغ اسلحه، به گفته صریح خودشان می خواهند دوره پس از خمینی، در ایران حضور داشته باشند.

دکتر بختیار، در آن روزها که رژیم اسلامی از روابط عادی بین المللی برخوردار بود، در برابر آن قدر فرار داشت، و امروز که رژیم در برابر همه زانومی زندتا جیره بخور و نمیرا سلحه و خوابا روموا دخام را بدست آورد، به طریق اولی عزم خود را برای مبارزه با آن تار سیدن به نتیجه نهائی جزم تر کرده است.

قطعه نامه در باره

جنگ ایران و عراق

فراکسیون پارلمانی حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی، در آخرین جلسه ماه نوامبر خود تصویب کرد که قطعنامه زیر در باره جنگ ایران و عراق، برای تصویب، به سایر فراکسیون های پارلمانی پیشنهاد کرد:

- ۱ - از سال ۱۹۸۰ جنگ ایران و عراق ادامه دارد و تا بحال صدها هزار انسان بی گناه در این جنگ کشته شده اند. طبق برآورد سازمان های جهانی در این جنگ تا بحال بیش از ۲۵۰ هزار ایرانی کشته و ۵۰۰ هزار تن زخمی شده اند. تلفات عراقی ها به ۱۰۰ هزار رگشته و ۱۵۰ هزار زخمی برآورد میشود. طیب سرخ جهانی اعلام می دارد که ۷۰ هزار عراقی در ایران و ۱۵۰ هزار ایرانی در عراق از طرف به علت بمباران مناطقی مسکونی آواره گردیده اند. طبق برآورد سازمان های جهانی تا بحال طرفین درگیر در جنگ بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار صرف هزینه این جنگ نموده اند. به توجه به مراتب بالا پارلمان آلمان:
- ۱ - آغاز جنگ به وسیله کشور عراق را محکوم می کند.
- ۲ - مصرف بمب شیمیائی به وسیله ارتش عراق را محکوم می نماید.
- ۳ - اعزام کودکان به جبهه های جنگ و بمباران مناطق مسکونی از سوی ایران

قائنان سران

نهیست مقاومت ملی

شناخته شدند

بقیه از صفحه ۱

مائوران امنیتی ترکیه با به دست آوردن یک عکس در یکی از خانه های تیمی، توانستند سروان محمد ظرافت کاروا با حقصری را در کنار هم در این عکس شناسایی کنند. این عکس در یکی از کافه های استانبول گرفته شده بود.

پلیس ترکیه در تعقیب تروریست های جمهوری اسلامی، عکس و مشخصات آن ها را به تمام پست های مرزی و پلیس بین المللی داده است.

ملیت چاب استانبول
۲۷ نوامبر ۱۹۸۶

که امروز، با اراده ای استوارتر از پیش، دست در دست یکدیگر نهند و مقاومت ملی را چنان گسترش دهند که تمام ایران به صورت شبکه ای نفوذنا پذیرا زمامت و مست سراسری درآید، سخنی درست و درنهایت واقع بینانه سیاسی گفته است.

آیت الله شیخ عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی جمهوری اسلامی در سمینار قضائی نیروهای مسلح گفته است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی هیچ فرقی با مردم عادی ندارند. در نخستین نگاه شاید اندکی غریب بنماید که رئیس دیوان عالی رژیم اسلامی، در سمینار قضائی نیروهای مسلح چرا ناگهان به یاد نمایندگان مجلس افتاد.

البته اتفاق افتاده است که آیت الله موسوی اردبیلی حرف های بیربط بزند. ولی این با ربیربط حرف نزد، بلکه برای نمایندگان مجلس اسلامی بیای می فرستاد که در جو کنونی سیاسی در ایران دارای معنای خاصی است. مجلس اسلامی این روزها نه تنها برای دولت میرحسین موسوی، بلکه برای رئیس خود شیخ علی اکبر فرستجانی هم کمی درد سردرستی می کند.

جامعه ایرانی علیه این دولت دستگاہ شدت برآشته است. این درخور فهم است. ولی مجلس اسلامی چرا؟ به هر حال آیت الله خمینی این بار نیز صلاح در این دیده است که مجلسیان در باره مسائل مهمی که رژیم اسلامی با آنها روبروست، غافلگیر نکند. اینکه موسوی اردبیلی برای فرستادن چنین بیای می برای برخی نمایندگان مجلس، منتظر فرصت مناسبتری نشد، حکایت از وضعیت وضع دارد. دولت در خواستند صدای اعتراض مردم که روز به روز بلندتر می شود، بیش از پیش دچار مشکل شده است، و این مشکل افزون تر خواهد شد اگر نتوانند صدای اعتراض را در مجلسی که خود آن را ساخته است، بخوابانند.

اصل هشتم دوشم قانون اساسی جمهوری اسلامی می گوید: "نمایندگان مجلس... در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی توان آن ها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرائی که داده اند تعقیب یا توقیف کرد."

ظاهراً "این ماده از قانون اساسی اسلامی را آیت الله خمینی یک جور می فهمد و تعبیر می کند و برخی نمایندگان جویدر، برخی نمایندگان آن را آزادی بیان در پناه نوعی مصونیت پارلمانی برای خود می فهمند، لیکن خمینی که البته هیچ وقت برای قانون اساسی مورد تأکید خود شایسته قائل نبوده است، این آزادی را فقط هنگامی برنمایندگان مجلس خود روا می دارد که دولت میر حسین موسوی را به در سر نیندازد.

در سالروز ولادت پیا میراسلام، خمینی خطاب به مجلسیان که آن روز در جماران حضور داشتند گفت: "چرا می خواهید بیان سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چه سراسر می خواهید دوستگی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را؟" وی سپس به لحنی اندکی روشنتر افزود: "وقتی یک همچو تائید است از کاخ سفید، وقتی یک همچو تائید است از ریگان، لحن شما در آن چیزی که به مجلس داده دید، از لحن اسرا شیل تندتر است..."

دیپلماسی دروغ

منظور خمینی از "آن چیزی" که به مجلس داده شد، جزمیت سوال ساده ای نبود که هشت نماینده مجلس از وزارت خارجه اسلامی کردند که مک فارلین فرستاده کاخ سفید کی به تهران آمد، چرا آمد، با اجازت کی آمد و با کی مذاکره کرد.

این، مطابق قانون اساسی خود جمهوری اسلامی حق مجلس است. اصل هفتمادو ششم آن می گوید: مجلس شورا حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. و در اصل هفتمادو هفتم آن آمده است: عهدنامه ها، معاهدات و موافقت های بین المللی باید به تصویب مجلس اسلامی برسد.

گویا قرار داد الجزایر میان جمهوری اسلامی و آمریکا، که حتی بدون اطلاع مجلس شورای اسلامی بسته شد، این درس را به مجلسیان نداد که بر آنان نیست که در امور مهمتر دولت اسلامی مداخله کنند، برخی از آنان خیال می کنند واقعا می توانند از حقوقی برخوردار باشند که قانون اساسی مندرج است. به همین دلیل اکنون آیت الله موسوی اردبیلی به یاد آنان می آورد که از این پس بشدت مراقب حرف های خود در مجلس باشند.

اگرچه در اصل هشتادوشم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است که نمایندگان رانمی توان به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند، تعقیب یا توقیف کرد، ولی برای دستگاہ های تفتیش عقاید و سرکوبگرکا ردشواری نیست که در بیرون از مجلس پیرایه ها به آن ها ببندند. بهانه توقیف احمدکاشانی، نماینده همین مجلس، حرفهائی نبود که وی در مجلس شورای اسلامی زد، بلکه او را به موجب پخش اعلامیه در میان نیروهای مسلح با زدا شد کردند.

مجلسیان باید خاموش بمانند تا دولت بتواند دیپلماسی توأم با دروغ و ریا را تا سناتر ادامه دهد. در جامعه ای که روز به روز بیشتر ماده طغیان می شود، یک صدای بلند اعتراض می تواند هزارها اشکاس پیدا کند. وقتی که یک صدای چنین است، هزارها صدای چه خواهد شد!

قیمت جدید نفت

"کمیته قیمت ها" سازمان اوپک که از وزرای نفت پنج کشور ایران، عربستان سعودی، کویت، لیبی و اکوادور تشکیل گردیده، تصمیم گرفته است به مجمع عمومی اوپک که در اوایل ماه جاری در ژنو برگزار خواهد شد، پیشنهاد تازه ای ارائه دهد. بنا به گزارش های رسیده از کیتو با بیخت اکوادور، توصیه "کمیته قیمت ها" به مجمع عمومی، بازگشت به سیستم قیمت گذاری و تلافی برای بازگرداندن قیمت نفت از چهار ده دلار کنونی به هجده دلار در شبکه است. اما کمیته روش نکرده است که آیا لازم است با تمدن قیمت نفت به ۱۸ دلار در شبکه کاهش میزان تولید است یا نیست، و اگر هست، چه پیشنهادی برای تقسیم تولید کل بین اعضا در نظر گرفته است.

کابوس هولناک

بقیه از صفحه ۱

پس از چندین روز این دست و آن دست کردن، هاشمی رفسنجانی دوباره گفته است که اگر آمریکا رفتاری درست داشته باشد، جمهوری اسلامی برای ایجاد رابطه با آن مانعی نمی بیند. این سخنان تازه او را می توان حمل بر آن کرد که رفسنجانی از موضع تدافعی چندروزه خود بیرون آمده، به موضع تهاجمی نقل مکان کرده است. و این، در حالی است که دانشجویان مسلمان، همان به اصطلاح "خطامی های" سابق و در راس آنها موسوی خوئینی ها، آشکارا اعلام داشته اند که هرگونه رابطه با آمریکا به معنای پایان انقلاب اسلامی است، گفته اند هر نقطه ای که آمریکا از آن وارد جمهوری اسلامی شود، یک نقطه ضعف انقلاب است، ضعیف ترین حلقه زنجیر انقلابی است که آمریکا به هیچ روی نمی تواند از دشمنی ذاتی با آن دست بردارد.

آماج این حمله ها کسی جز هاشمی رفسنجانی نمی تواند باشد. وی، که از سخنرانی خمینی در سالگشت تولد پیاپی میر، ترمزها را اندکی کشیده بود، اکنون آشکارا از سوی خمینی پشتوانه ای به اندازه کافی بدست آورده است که دوباره مسأله ارتباط با آمریکا را، هرچند به شیوه آخوندی خاص خودش، مطرح سازد.

در خورتوجه اینکه وی از آمریکا به عنوان شیطان بزرگ، یاد نکرده، بلکه آن را در ردیف کشورهای چون فرانسه، اتحاد شوروی و کشورهای دیگر آورده است که جمهوری اسلامی می تواند با آن ها مناسبات عادی داشته باشد.

رفسنجانی شاید از خمینی قول صریح پشتیبانی دریافت نکرده باشد، اما دستور خمینی به هشت نماینده مجلس اسلامی که سوال خود را از وزارت خارجه درباره سفر کمفرلین به تهران پس بگیرند، برای اومی تواندنشانهادی تشویق کننده باشد، به احتمال بسیار مجلس شورای اسلامی در این باره همانگونه محکوم به سکوت خواهد شد که در باره بازداشت احمدکاشانی، نماینده نطنز، سکوت کرده است و همان گونه به صورت مهرلاستیکی برای تأیید تصمیم هاشمی که در جای دیگر گرفته می شود در خواهد آمد که به هنگام تمویب آغاز مذاکرات الجزایر درآمده بود.

اما گمان نمی رود که خاموش کردن نیروهای دیگر در درون دستگاه رژیم اسلامی که با ایجاد ارتباط با ایالات متحد مخالفتی همیشگی دارند، به آسانی خاموش کردن نمایندگان مجلس اسلامی باشد.

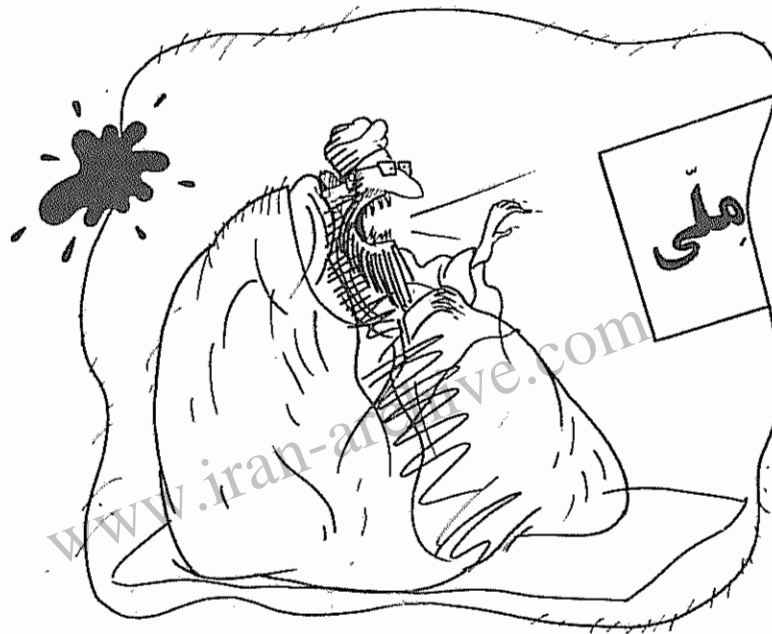
رفسنجانی، با تأیید خمینی، دیدار با نمایندگان دولت آمریکا را با امکان ایجاد مناسبات با آن، مطرح کرد و همه واکنشها را آزمود. واکنش جامعه ایرانی، در حالی که تواءم با نسوعی

سرخوردگی از ایالات متحد بود، با ردیگر نشان داد که جامعه تا چه حد به این رژیم بی اعتماد است. واکنش عناصرتندرو مخالف غرب نیز هیچ نشانه ای از نرمش و اعتدال در خود نداشت.

در نتیجه اکنون برای آن جناح از رژیم که نوعی سازش با غرب را برای بیرون آمدن از این بست کنونی، چه در اقتصاد و چه در جنگ، ناگزیر می دانند، دیگر

میدانی برای مانور بین نیروهای چپ و راست باقی نمانده است. جناح طرفدار سازش با غرب اکنون گریزی از این ندارد که جناح مخالف سازش با غرب را سرکوب کند تا بتواند بدون مزاحم از درون رژیم به تلاش های پیش برای بیرون آمدن از این بست ادامه دهد.

لحن آن ها هنوز محتاط و تاکتیکی آن ها دو قدم به جلو و یک قدم به عقب است. این دودلیل دارد: یکی اینکه می خواهند فکرنزدیک شدن به آمریکا را در هیأت حاکمی جا بیندازند که شعارهای ضد آمریکا می در آن به صورت آداب مذهبی درآمده بود، و دیگری اینکه نمی توانند پیش بینی کنند در آن سوی خط، در خود آمریکا، چه پیش خواهد آمد.



حتی مذاکره و معامله با حکومتی که نام آن گروگانگیری و تروریسم را در ذهن آمریکا می معمولی تداعی می کند، چنان که می بینیم، دولت ریگان را با بحرانی، با پیماندهای پیش بینی نا پذیر و بیرونی ساخته است. ایجاد ارتباط با چنین حکومتی، جای خود دارد. یکی از علل سبب دیپلماتی پنهان هیچگاه ما همیابیشتر نا آگاهی حکومت آمریکا از نظراتی بود که مردم این سرزمین از رژیم اسلامی حاکم بر ایران دارند. ریگان، این محبوب ترین رئیس جمهوری آمریکا، شاید از هیچ چیز این قدر صدمه نمی دید که سهاز تماس با کارگزاران رژیم اسلامی دیده است. نه فقط او از این پس، بلکه هر کسی هم که پس از او بیاید، چساره ای ندارد مگر که این را در سیاست خارجی خود به حساب آورد.

خمینی که بارها گفته بود و رده های پائین تر از او تکرار کرده بودند که با ملت آمریکا دشمنی ندارند بلکه با حکومت آن مخالفند، اکنون دریا فتها اند که در محاسبه دچار اشتباهی بزرگ شده اند. دولتی در آمریکا اگر بخواد به سیاستی با جمهوری اسلامی برسد، یکی از بزرگترین موانع آن همین نفرت افکار عمومی آمریکا از رژیم تهران است. اگر ما مداران رژیم تهران با ملت آمریکا دشمنی ندارند، ملت آمریکا نمی تواند به رژیم تهران بیندیشد و گروگانگیری و تروریسم، این کابوس هولناک ملی را به پایداری آورد.

رسالت انقلاب اسلامی!

بنیادها، ما ننند آئمه، جمعه و انجمن های اسلامی که همگی در کار دولت مداخله می کنند و بندرت به دولت اجازه می دهند که در کارشان مداخله ای داشته باشد. حتی اشتباه محض است اگر بپنداریم که قدرت در جمهوری اسلامی از جاران، از شخصی آیت الله خمینی برمی آید. اگر برای خمینی قدرتی قائل شویم. این است که وی می توان نشان داده است در این که تاکنون از میان آشفتگی ها و بریشانی ها راهی برای خودیگشایی و وگرنه خمینی هرگز این قدر قدرت نداشت که تصمصیم نهایی بگیرد و آن را به وسیله ارگان های اجرایی روبه راه در سطح گوناگون به اجرا درآورد. اما این قدر قدرت دارد که نگذارد یک جناح رقیب چنان غالب آید که بتواند بگوید ما اینجا نه در جمهوری اسلامی، اوست.

خمینی، حتی اگر از ته دل آرزو نکنند، نخواهد توانست در جمهوری اسلامی خود، قدرتی مرکزی بوجود آورد. چند تلاش عیث او برای آن که سرانجام از رژیم خود بیگانه بسازد که در آن درها و پنجره ها و راهروها و اتاق ها سر جای خودشان باشند، به اندازه کافی برای آموزش بوده که دیگر گردنم وروال بخشیدن به جمهوری اسلامی نگردد و فقط خود را با اوضاع، چنین که هست، تطبیق دهد.

شاید تفاوت مهم خمینی با دیگران در این باشد که می دانند رژیم جمهوری اسلامی هیچ نظمی را بر نمی تابد، حال آنکه دیگران، دست کم آن ها که به آینده خود می اندیشند، می کوشند چنین نظمی را بوجود آورند. تفاوت دیگر خمینی با دیگران در این است که می تواند، بنا به موقعیت خود، به هنگام شکست یا درماندگی در تصمیم گیری، روی بیو شاند و همه دیدارهایش را به آینده موکول کند.

با این همه وی به چشمی بیندکسه بهم ریختگی جامعه ایران در همه جا و همه چیز،

ایالات متحد آمریکا در جمهوری اسلامی به جستجوی "عناصرتندل" برآمد، ولی نه تنها در آنجا عناصرتندلی نیافت، بلکه دریافت که طرف مذاکره ای هم نمی توان پیدا کرد که بشود به قول و قرارها پیش اعتماد کرد. نه تنها سیاست آمریکا، بلکه تمامی سیاست غرب، در جمهوری اسلامی اسیر شبحی است که رسانه های همکامی غرب در بوجود آوردن آن سهم بزرگی داشته اند. بنیاد شتند چون هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی و نماینده خمینی در شورای عالی دفاع است، چون غالباً "نما زجمعه" تهران را کارگردانی می کند، چون به وسیله برادرش برادر دیو - تلویزیون دست گذاشته است، چون به وسیله خویشا و نندش محسن رفیق دوست در سپاه پاسداران محسن رفاشی را می پاید، پس مردنیر و مندر رژیم است و در پیگاه قدرت، پس از خمینی در مرتبه دوم قرار می گیرد. پس دست کم او را می توان به عنوان طرف مذاکره ای در خورا عتما پذیرفت. این بنیاد ربتدریج چنان قوت گرفت که به صورت واقعیتی انگارنا پذیر پذیرفته شد.

ولی واقعیت این است که در جمهوری اسلامی قدرتی مرکزی وجود ندارد که تصمیم ها از آن برآید و به ارگان های گوناگون حکومت یا دولت انتقال یابد. تنها می رسد که انقلاب اسلامی در ایران در هم شکستن قدرت دولت مرکزی بود و تاکنون هر تلاشی برای ایجاد یک دولت مرکزی حاصلی جز سرخوردگی برای رژیم نیاورده است.

لبته کابینه ای با هیأت وزیران، وزارتخانه ها با معاونان و مدیران کل، سردی و برجمی، سفارتخانه ها و سفیرانی با کاردارانی، وجود دارند، نیروهای مسلحی هم هستند، ولی هیچ کدام از اینها مرکز تصمیم گیری نیستند. در کنار این نهاد های دولتی، نهاد های به اصطلاح انقلابی را می بینیم مانند کمیته ها و بسیج، مانند دنگاه های انقلاب و

میدان ما نورا و مادام تنگ ترمی کند، می بیند که دیگران دریا فتها اند که می توان مرهبر را نبرد، می توان فرمان رهبر را کردن نگذاشت، می توان "خط امام" را نخواند.

در این میان، اگر چه تمام می رسد مداران رژیم او نگرانند، ولی نگرانتر از همه آن کسانی هستند که تنها در سایه او بالیدند و قدرتی گرفتند. ولی خمینی فقط از حیث جسمانی نیست که صدمه ای او نباشد، به هیچ روی سبک ترین نیست. او بر داشته شد، اکنون بسیار پیش از آن که بترسند، می خنداند. محمدی ریشتری نیز، که به عنوان وزیر اطلاعات خمینی این قدر احساس قدرت می کرد که توانست خویشان و نزدیکان آیت الله منتظری را با زدا شت کند، امروز تجربه می کند این را که دستور خمینی را هم می توان به اصطلاح در کوزه گذاشت و آبش را خورد. اگر خمینی، مثلاً سه سال پیش، به یک مقام اجرایی دستوری داد که کسی را با زدا شت کند و تا مرحله محکومیت قطعی به تعقیب او بپردازد، آیا حرفش نخورد داشت؟ ولی امروز دستور صریح خمینی نیز برای تعقیب جناحی مهدی هاشمی کارگرنیفتاد. امروز، بیش از همه نزدیکان منتظری، به ریش ریشتری نمی خندند، به ریش خمینی می خندند. او خواست حتی بی واسطه مقام های قضائی رژیم خودش، متهمی را مجازات کند ولی نتوانست. اما "سیلی زن" اگر بیش از این عمر کند، به لولان پنبه ای خواهد شد.

رادیو محلی نهضت و دانشگن

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران - مریلند و واشنگتن - وبرجنا - مریلند یکشنبه - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مادروزی موج متوسط ۱۴۵ - رادیو W.O.L.

ایران و خاور میانه



در مطبوعات بین‌المللی

مرزهای بسته

لیبراسیون چاپ پاریس در گزارشی زیر عنوان: یونان مرزهای خود را بر سر روی پناهندگان ایرانی بسته است، مینویسد: سیل پناهندگان ایرانی که از رژیم خمینی میگریزند کشورهای ترکیه و یونان را با مشکلاتی روبرو ساخته است که این دو کشور میگویند که آنها را به گردن یکدیگر بیندازد. حکومت آن که ترکیه را بمنزله "اولین کشور پناهنده" به طفره رفتن از وظایف خود متهم میسازد، مرزهای خود را بر روی پناهندگان ایرانی بسته است و با آنان با شدت عمل رفتار می کند.

تاکنون ۸۶ ایرانی بسبب ورود غیرمجاز به یونان دستگیر شده اند و به مجازاتی از ۴ تا ۱۶ ماه زندان محکوم گردیده اند. و این درسی است به ۳ تا ۴ هزار ایرانی که در "اردین"، منطقه مرزی ترکیه با یونان به امید عبور از مرز در آوارگی بر سر می برند. از این میان، آنان که شانس بهتری داشته اند در اردوگاه های لاوریبون در ۸۰ کیلومتری آن استقرار یافته اند. این اردوگاه زیر نظر پلیس یونان و با سرپرستی عالی کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد اداره می شود. و همواره ۴۰۰ نفر پناهنده سیاسی ترک، کرد، بلغار و رومانی که برای برحداکثر گنجایش این اردوگاه است در آن زندگی می کنند. عده ای دیگر نیز توانسته اند در هتل های پست میسدان "اومونیا" در آن محل اقامت بیفکنند. یکی از اینان علی است، او که هنوز در ستین نوجوانی است در مهرماه گذشته از ایران گریخته است. سه سال در جبهه خدمت کرده است. در سال ۱۳۶۱ هنگامی که بیش از نوزده سال نداشت او را به جبهه فرستادند. وی از کوهستانهای کردستان ایران توسط یک "آدم بر" ترک عبور کرده، سپس حدود ۲۰۰ کیلومتر راه را در آن طولی طی کرده و با قساق باقی باقی از رودخانه "اوس" در مرز ترکیه و یونان گذشته است. از خشوش اقبالی توانسته است با یک نماینده سازمان ملل در یونان تماس بگیرد. اما با این همه نمی توان به آینه شده او امیدوار بود. خودش می گوید: "از وقتی که بلغارستان و یوگسلاوی مرزهاشان را بر روی ما بسته اند، یونان تنها راه رسیدن به آمریکا و کانادا است."

اما نرخ ها را آدم برهای ترک تعیین می کنند. نرخ عبور قساق از اوروپ بسته به مسافت منطقه عبور از ۵۰ تا ۵ هزار دلار متغیر است. این سوداگری انسانی به تا زگی توسط یا نیس کاپیس، معاون وزیر خارجه دولت یونان محکوم شده است. وی دولت آنکارا را تهدید کرده است که در صورت ادامه این وضع از خبرنگاران بین المللی دعوت خواهد کرد که سری به محل بزنند و از آن گزارشی تهیه کنند. از آنجا که آدم بر ترک علی را از ایران تا اینجا به همراه آورده است، قیمتی گدای برداخته

سیاست میانه روی



روزنامه لیبراسیون طی تفسیری درباره مناسبات آمریکا و جمهوری اسلامی مینویسد: سردمدار جناح میانه روی جمهوری اسلامی که با آمریکا تماس گرفته ها شمی رفسنجان است. لیبراسیون با اشاره به بخشی از نطق ریگان که گفته بود: "علت فروش اسلحه به جمهوری اسلامی، برقراری تماس با جناح میانه روی جمهوری اسلامی بوده است" می نویسد:

بدون تردید در نبرد بی امان قدرت برای جانشینی خمینی، ها شمی رفسنجان می مظهر گروه میانه روی و طرفدار رگشایش با مذاکره با آمریکا به شمار می آید. شاید این چهره رفسنجان که تا بحال به عنوان یک عنصر افراطی شناخته می شد تعجب آور باشد، اما اگر روش استادی، خمینی را در نظر بگیریم، مسئله حل می شود. خمینی نیز قبل از رسیدن به قدرت، متزلزل کننده قدرت وقت محسوب می شد. اما پس از در آغوش گرفتن شاه قدرت، به کلی چهره عوض کرد و اکنون به صورت پادشاه ارتجاع و سکون و بی حرکتی در آمده است. ها شمی رفسنجان نیز از منطقی مشابه پیروی می کند. و نیز برای رسیدن به قدرت بسیاری از رقیبان را از زمین برد و اینک که خود را مرد شماره ۲ رژیم جس می کند، در مقابل گروه منتظری ظاهر می آید و در پی پیش گرفته است.

لیبراسیون در شرح علت سیاست جدید رفسنجان می نویسد: او که بی برده جمهوری اسلامی نمی تواند از راه نظامی بر عراق پیروز شود، تمام تلاش خود را بکار گرفته است تا از طریق مذاکره بر محور برکنار شدن صدام حسین رئیس جمهوری عراق، به جنگ خاتمه دهد. سوریه در این میان سعی دارد عربستان سعودی را وادار کند که زبشتیبانی از عراق دست بردارد تا سوریه بتواند در راه خدمتش برای از یاد آوردن حکومت عراق از جمهوری اسلامی شعیب بگیرد که در عراق حکومت اسلامی برقرار نکند، اما آمریکا به عربستان سعودی فهمانده است که به چنین تعهدی زسوی جمهوری اسلامی به هیچ وجه اطمینان ندارد زیرا در صورت سقوط حکومت عراق، دیگر نمی توان جلوی توسعه بنیادگرای جمهوری اسلامی را در منطقه سد کرد. لیبراسیون می افزاید: امتناع آمریکا می تواند عامل تسریع کننده دستگیری نزدیکان منتظری باشد. رفسنجان با این

سیاست رگزار بوده است. این مبلغ را برای درش که در نیکا گو برمی برد پرداخته است. لیبراسیون در ادامه گزارش خود می نویسد: که در اردوگاه لاوریبون بر سر می برد میگوید: "در ایران همه چیز را می شود با پول بدست آورد. حتی آزادی را. با ۲۵ هزار دلار می توان گذرنا مه و ولایت هوا پیمای هر کشوری را از طریق پاسا رها بدست آورد. پاسا رها حتی برای بردن شما تا فرودگاه به درختان می آیند." اما او که چنین پولی نداشته است، با زن و دودختر کوچکش از رسته کوه های آن طولی گذشته است. همه خطر ها و هراس ها را تحمل کرده است. در خرداد ماه گذشته آن هوا و اردیون نشاندند و در همان لحظه ول همگی به ۱۶ ماه زندان محکوم شدند. پس از تقاضای فرجام، مجازات شان به دو ماه تخفیف یافت که به تا زگی پایان یافته است. او در پاره ای که چگونه به اردوگاه لاوریبون رسیده است می گوید: "دولت و دادگستری یونان هر پرونده ای را جدا گانه بررسی می کنند. نتیجه کار با اخراج، یا زندان، یا رفتن به اردوگاه است. بهر حال امروز ایرانی بودن جز قمار باخته نیست."

لیبراسیون در پایان می نویسد: در سلسله مراتب پیچیده مهاجرت، رفتن به اردوگاه لاوریبون نوعی ارتقاء مقام به شمار می رود. چرا که در آنجا به مهاجران کارت پناهنده گی سیاسی داده می شود. اگر کارها درست و سریع انجام شود، امید سر پناه و خوابگاه وجود دارد. یونان که از کشورهای امضاء کننده قرارداد ژنو در باره پناهندگان است، ماده ۱۷ این قرارداد را که در باره دادن اجازه کار به پناهندگان است نپذیرفته است. و تنها تا مین حد اکثر دو سال اقامت پناهندگان را تخمین کرده است. اما این شرایط به دلیل وجود ترک ها و کردهای بی شماری که در اطراف لاوریبون به کار رسیده اند اشتغال دارند و زبان یونانی را یاد گرفته اند تغییر کرده است. چرا که اینان و ورود تازه واردان ایرانی را که غرق در "روسیای آمریکا" خویشند با تحقیر تحمل می کنند.

ما نور می خوا هد به آمریکا نشان ده که کنترل اوضاع ایران را در دست دارد. همین هدف وی، می تواند آماج دگی اورا برای آزاد کردن گروگان های آمریکائی در لبنان توجیه کند. به عقیده بعضی ناظران سخنان رفسنجان به معنا سبت سالروز اشغال سفارت آمریکا که طی آن به تماس با شیطان بزرگ اعتراض کرد، نیز به منظور آن است که نشان دهد وی سرد قدرتمند رژیم جمهوری اسلامی است. لیبراسیون نتیجه می گیرد که رفسنجان برای جلب توجه آمریکا و برای آن کسه نشان دهد همه سر نخ های جمهوری اسلامی در دست او است، در مقابل جناح منتظری سیاست میانه روی در پیش گرفته است.

بازتاب افتضاح

مطبوعات انگلستان هفته گذشته با دقت و تفصیل بیشتری عواقب افتضاحی را که در آمریکا بر سر فروش مخفیانه اسلحه به جمهوری اسلامی و اختصاص وجوه آن به شورشیان نیکا را گوید بر آه افتاده است، مورد بررسی قرار داده اند.

روزنامه "تایمز" در سرمقاله خود می نویسد: رونا لدریگان برای جلوگیری از فلج شدنی شبیه آنچه پس از ماجرای وا ترکیت در آمریکا رخ داد، احتیاج به کمک دارد. بدون عملیات گسترده نجات، قدرت دولت آمریکا به همان شدت دو سال آخر حکومت ریچارد نیکسون آسیب خواهد دید.

دیگر روزنامه انگلستان، "تایمز" نیز همین هشدار را می دهد، اما دوران فلج شدن دولت آمریکا را سه سال پیش بینی می کند: ۲ سال باقی مانده حکومت ریگان و یک سال برای آن که جانشین وی به موروار شود.

تایمز می نویسد: از این پس مبارزات شورشیان نیکا را گوید محکوم به شکست است، روزنامه لندن معتقد است که در این میان روابط دو بر قدرت آسیب زیادی نخواهد دید.

روزنامه "فانگ" می گوید ریگان این بار نیز بر مشکلات فاش خواهد آمد و بی معنی است که این ماجسرا را شبیه و ترکیت بدانیم.

در مقابل روزنامه "دیلی میور" نزدیک به حزب کارکنان این ماجرا را شبیه به وا ترکیت میداند و روزنامه کمونیستی "مورینگ استار" می نویسد: ریگان چه از ماجرای فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و اختصاص یافتن وجوه آن به شورشیان نیکا را گوید آگاه باشد چه نباشد، باید سمت خود را ترک کند.

۱۰۰ میلیون دلار اسلحه

هفته نامه "نیوزویک" چاپ آمریکا نوشت: ایالات متحده با تحویل ۱۰۰ میلیون دلار اسلحه به جمهوری اسلامی موافقت کرده بود.

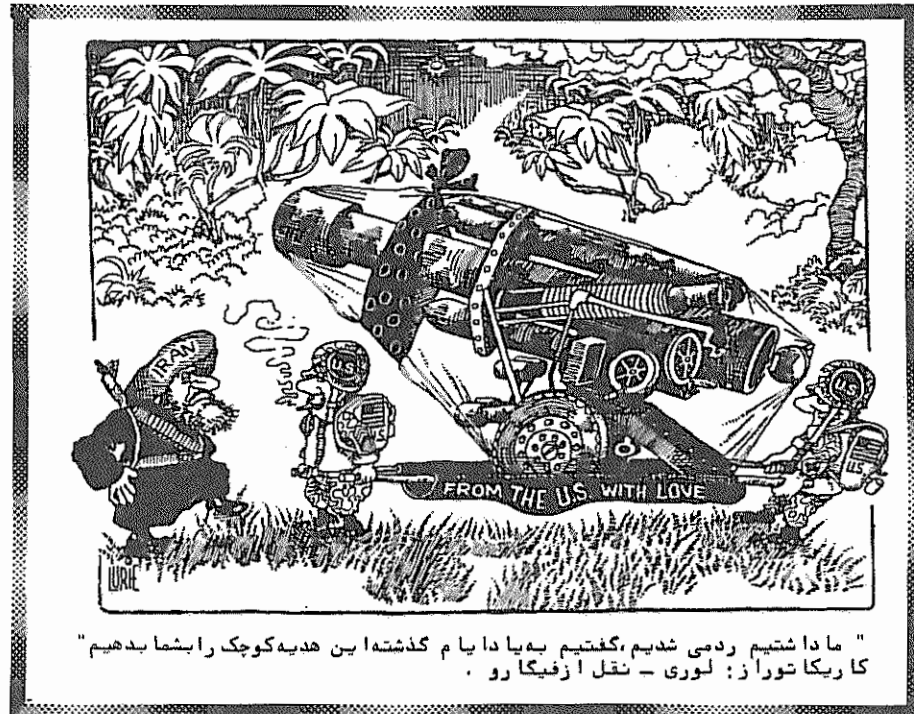
آمریکا بطور مستقیم معادل ۵۰ میلیون دلار تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی تحویل داده است و چنانچه بهای سلاحهای که از طریق کشورهای ثالث بخصوصاً اسرائیل به رژیم تهران داده شده است نیز محاسبه شود، این رقم یکصد میلیون دلار تجاوز می کند.

ویلیام کیسی رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا "سیا" روز جمعه در مقابل اعضاء کنگره آمریکا تا شکر کرده بود که جمهوری اسلامی ۱۲ میلیون دلار برای تحویل گرفتن اسلحه آمریکا می برداخت کرده است.

منابع نزدیک به "پنتاگون" قبلاً فاش کرده بودند که ۲۰۰۸ موشک خندانک "تاو" و بیش از ۲۰۰ موشک ضد هوایی "هاوک" به همراه تجهیزات نظامی دیگر از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است.

به نوشته مطبوعات آمریکا، جمهوری اسلامی همچنین قطعات یدکی هوا پیمای های جنگی اف-۱۴ و اف-۴ نیز دریافت کرده است.

به نوشته نیوزویک تنها بهای موشکهای تحویلی "تاو" به ۲۰ میلیون دلار می رسد.



" ما داشتیم ردمی ندیم، گفتیم به یاد ایام گذشته این هدیه کوچک را بشما بدهیم" کاریکاتور از: لوری - نقل از فیکارو.

هم میانه عزیز!

هر روز تلفن خیری نیت مناومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شمارا در حرمان آخرین خبرهای ایران و جهان فرار می دهد. ساره تلفن:

۸۵-۸۵-۳۶-۴۳ پاریس

فرهنگ ایران

محمد جعفر محجوب

دو پدیده‌ی هندی و ایرانی

شطرنج و نرد

گویا پیش از این، این نکته را یاد کرده باشیم که در بخش تاریخی شاهنامه سرگذشت خسرو نوشیروان از همه طولانی تر است. در ضمن زندگی نامه این پادشاه داستان های بسیار آمده است که صورتی جداگانه و مستقل دارد. برخی از آن ها نیز در دوران های بعدی بارها و بارها مورد استفاده داستان سرایان واقع شده و شاخ و برگ بسیار یافته است. داستان فرستادن رای هند در شطرنج را به ایران، و ساختن بزرگمهر برای نرد را در ایران، و فرستادن به هندیکی از داستان های دل پذیر روزگار را نوشیروان است. اما پیش از پرداختن بدان، باید یک نکته را یادآور شویم:

یکی از عناصر داستان سراسری، که در ادب فارسی شاهنامه فردوسی قدیم ترین سرچشمه آن است، و بارها و به کثرت مورد استفاده، ساقچه خوانان و مصنفان داستان ها قرار گرفته، رد و بدل شدن داستان ها و دانه ها و ساقچه خوانان، و طرح سوال های دشوار و درخواست جواب آن، یا فراموش کردن معنی ها و مصنفه های پیچیده و درخواست حل آن ها است. در حقیقت داستان سرا، در عرصه داستان، برای نشان دادن پیروزی یکی از دو حریف، به جای روی آوردن به منطق و شمشیر و تکیه کردن به دلیل قاطع زور بازو و نیرومندی، راه های تازه ای برای زور زما یعنی حریفان جستجو می کرد. یکی از آن ها نیز این بود که پادشاهی - مثلاً رای هند - فرستاده ای خریدمندوزبان آوردن به دربار حریف خود - مانند پادشاه ایران - می فرستاد و پرسش های را مطرح می کرد و جواب می خواست و متلاطم می گفت: اگر این پرسش ها را پاسخ بگوئید به باج و خراجی که از ما خواسته اید کردن می نهم، وگرنه به دیگر نه تنها از ما با زوسا و نخواهید، بلکه خود نیوسر باید خراج گزار ما شوید چرا که داستان از هر چیز برتر است. بدیهی است که در تاریخ ایران، چنین مسابقه ای همواره با پیروزی ایرانیان پایان می یابد. داستان شطرنج و نرد، که اولی از هندی به ایران آمد، و دومی روزگار را نوشیروان یاد می کند از همین گونه داستان ها است. به گفتار راستا دطوس گوش فرادهیم:

... چنین گفت موبد، که یک روز شاه
به دیدن رای رومی بیاراست گاه (= تخت) ...
چنین آگهی یافت شاه جهان
ز گفتار بیدار کار آگهان
که آمد فرستاده شاه هند
ابابیل و جتروسواران سند
شتروار با راست با او هزار
همی راه جوید بر شهریار
پادشاه دستوری دهد که به استقبال فرستاده رای هند
بروند و او را به بارگاه آوردند
جو آمد بر شهریار بزرگ
فرستاده نامدار سترگ
به رسم بزرگان نیایش گرفت
جهان آفرین راستایش گرفت
گهر کرد بسیار بیش نشان
اباجترو با بیل و با گوشوار
بیاراسته چتر هندی به زر
بر او بافته چند گونه گهر ...
فراوان به بارانندرون سیم وزر
جواز متک و از عنبر و عود تر
زیاقوت و الماس و از تیغ هند
همه تیغ هندی سرا سر برند ...
شاه به فرمودتا هدیه های شاهانه و گران بهای رای هند را
به خزانه بردند. سپس فرستاده رای نامه فرمان روی
هندی را که بر حیرنوشته شده بوده شاه ایران تقدیم
داشت و همراه نامه:
یکی تخت * شطرنج کرده بونج
تبی کرده از نرد شطرنج، گنج
چنین داد پیغام هندی ز رای
که تا چرخ باشد تو با تبه جای
کسی کو به دانش بگرد رنج پیش
بفرمای تاخت * شطرنج پیش
نهند، زهر گونه رای آوردند
که این نغز بازی به جای آوردند
بدانند هر مهره ای را به نام
که چون را ندبا بدش و خانه کدام؟
بیاده بداند (= بشناسند) و بیل و سپاه
رخ و اسب و رفتار فرزند (= وزیر) و شاه
پس از آن می گوید اگر خریدمندان دربار شاه این بازی
را دریا فتند و درست به جای آوردند ما باج و خراجی که
شاه فرموده است به دربار خواهیم فرستاد. اما اگر
دربار برداشت ما تا بنیا و درند و در این مسابقه شکست
خورند علاوه بر آن که دیگر از ما چیزی نخواهند
همان بازی باید بدید رفت نیز
که دانش به از ما بردار جبر
فرستاده رای با این سخنان صفحه شطرنج و مهره های

دورنگ آن را که سفیدش از عاج و سیاه آن از چوب، باج *
ساخته شده بود نزدیک شاه می گذارد. شاه پس از چند
نگریستن بدان ها از فرستاده دربار، صفحه شطرنج و
مهره ها سوالاتی می کند و فرستاده می گوید شاه این،
میدان کارزار است:

چنین داد پاسخ گاهای شهریار
همه رسم و راه از نرد (= شایسته) کارزار
بیای، جوینی به بازی راه
ره برای و آرایش ورزشگاه
شاه از فرستاده ده یک هفته مهلت می خواهد تا معنای این
بازی را حل کند و بدومی گوید که روز هشتم برای گرفتن
نتیجه به ایوان شاه بیاید. آن گاه شاه را خلوت
می کنند. موبدان و دانایان به حضور شاه می آیند و
آن تخت شطرنج را در میان می گذارند. مهره ها را به
صورت های گوناگون در عرصه می چینند و با هم به گفت و
شنید بسیار می پردازند. اما هیچ یک از آن ها راه بازی
را نمی یابند. سرانجام پس از گذشت چند روز، همه با
چهره های گرفته بارگاه را ترک می گویند. آن گاه
(ظاهراً به فرمان شاه) بزرگمهر پادشاه می آید و
او را گرفته و تلخ گامی بیندوداستان را از شاه می شود:
به کسری چنین گفت گاه پادشاه

جهان را رویدار و فرمان روا
من این نغز بازی به جای آورم
خرد را بدین رهنمای آورم
نوشیروان بدو گفت: آری این کار کار تو است، چه اگر
معنای این بازی کشف نشود رای قنوج (= یکی از
استان های هند) خواهد گفت که ایرانیان یک مسرد
دانان نیز ندانند و این برای موبدان شکستی بزرگ و
زشت، و برای درگاه و تاج و تخت پادشاهی و هنی بزرگ
است.

بیاورد شطرنج بوزر جمهر
براندیشه بنشست و بگشاد چهر
همی جست بازی چپ و دست راست
همی راند، تاجای هر یک کجاست
به یک روز و یک شب جوابی یافت
آز ایوان سوی شاه ایران شافت
چنین گفت گاه شاه بیروز بخت
تکوچستم این مهره و تیگ تخت
شهنشاه باید که بیند نخست
یکی رزم گاه است گوئی درست

سپس از شاه درخواست کرد که فرستاده رای را نزد خویش
بخواند تا راه ورسم بازی را ببیند. چون فرستاده رای
هند به مجلس شاه آمد بزرگمهر از او پرسید که شاه هند از
این مهره ها با توجه گفت؟
چنین داد پاسخ: که فرخنده رای
جواز پیش او من بر فتم ز جای
مرا گفت این مهره عاج و ساج
ببریش تخت خداوند تاج
پس از آن باقی پیغام رای را به شرحی که پیش از این
آمد تکرا کرد.

بزرگمهر در برابر فرستاده رای تمام مهره های شطرنج
و جایگاه و وظیفه هر یک را شرح می دهد:
بیاراست دانا یکی رزم گاه
به قلب اندرون ساخته جای شاه
جب و راست صف بر کشیده سپاه
بیا به پیش اندرون رزم خواه
هشیوار دستور بردست شاه
به رزم اندرونش نماینده راه
مبارز که اسب افکنند بردوری
به دست چپ و راست پر خاش جوی
وزا و برتر اسبان جنگی به بیای
بدان تا کی آید به بالای رای
بیاراسته بیل جنگی دو سوی
به جنگ اندرون همگان کرده خوی
جو بوزر جمهر آن سپه را براند
همه انجمن در شگفتی بماند ...
چون توضیحات بزرگمهر در باره شطرنج و آداب و رسوم
بازی آن به پایان آمد:
غمی شد فرستاده هند سخت
بماند اندران مرد بیدار بخت
که این تخت و طنز هرگز ندید
نه از گاردانان هندو شنید ...

نوشیروان بزرگمهر را تحسین و آفرین بسیار کرد و جای
پرا زگوهر شاه را رویک بدره پرا زدینا و آسی با زمین و
برگ بدودا دوا زا و خواست که این پرسش رای هند را با سخنی
شایسته آماده کند.
بزرگمهر برفت و در تاریکی به گوشه ای نشست تا بتواند
بهتر اندیشه خود را گرد آورد و دقیق تر و با ریاضت
بیندیشد. درون آن تاریکی جای در اندیشه روشن خویش
به شطرنج هندوان درنگریست و ساعت ها رنج روان را بر
خود هموار ساخت و:
خرد بادل روشن انبار کرد

به اندیشه منرد را ساز کرد
نخست دستور داد تا دوماهره مکعب شکل از عاج بسازند و
نقطه های سیاه رنگ بر آن بنشانند. فردوسی شرح
جزئیات تخت، نرد و مهره های آن و نیز آنچه که امروز
طاس می نامیم (و نام اصلی آن گنبتین است و چون
آن را در طاس کوچکی می انداخته و می ریخته اند کم کم
نام طرف به منظور داده شده است، که بتین به معنی دو
مهره مکعب شکل است) در داستان خود با زگفته و روش
بازی را نیز آشکار کرده است. شعر فردوسی سندی است
معتبر و هزار ساله در باره بازی نرد و روش آن که ارزش
تاریخی فراوان دارد. بیستی چند آن را می آوریم:

به تندی بیاراسته جنگ جوی
یکی را چونها بگیرد دوتن
بر آن یک تن آید ز هر دو شکن
به جای گردش زگشت سپاه
گرازان دوشاه (= طاس) اندران رزم گاه
همی این بدان آن بدین برگشت
گهی رزم کوه و گهی رزم دشت
بر این گونه تا بر که آید شکن
شندی سپاه دوشاه انجمن
بدین سان که گفتیم، بیاراست نرد

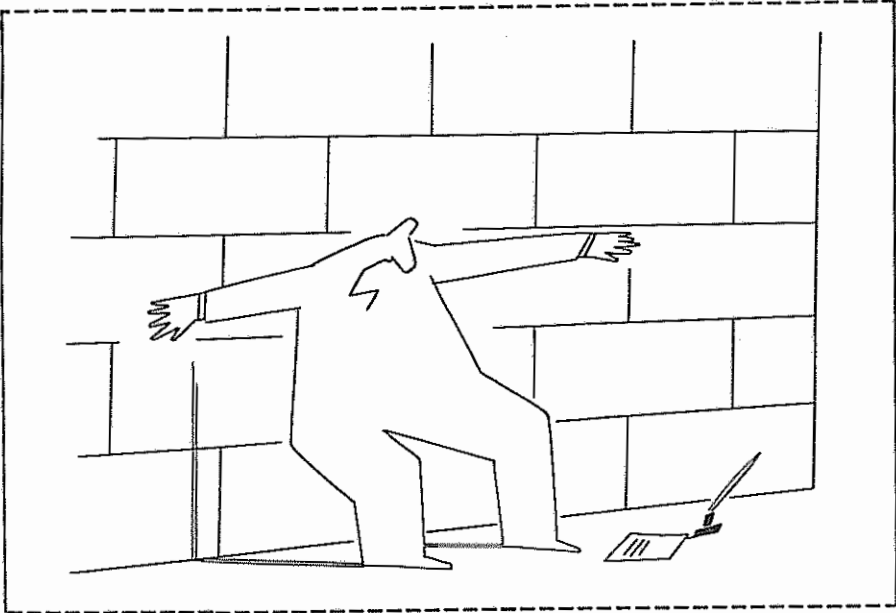
بر شاه شد، یک به یک یاد کرد ...
وقتی بزرگمهر نرد را به شاه بنمود و روش بازی آن را شرح
داد دل شاه از آن خیره ماند و او را بسیار ریستود و فرمود
تا دوهزار ساله این نرد شهریار را آوردند و کلاه های
روم و چین و هیتال و مکران و ایران زمین را از گنج شاه
بر آن ها بار کردند. چون این کار ساخته شد، فرستاده
رای را بخواند و نامه ای به رای هند نوشت که در آن پس از
مقدمت عادی نامه های درباری گفته بود: این موبد
هوشمند را با دوهزار شتر و ربا زکرا ن نزد شما فرستادیم
و برجای شطرنج نرد را بنهادیم تا چه کس تواند آن بازی
را به جای آورد. در مجلس رای بر همان نرد فراوانتند
امید که به دانش خود این بازی را دریا بداند تا اگر
نتوانستند:

شتروار بیاید که هم زین شمار
به بیمان کند رای قنوج بار
کند بار همراه با بار ما
بر این است بیمان و بازار ما
بزرگمهر روز دیگری نامه شاه و بارهای کالوخته نرد
به سوی هند رفت و به دربار رای هند رسید و نامه و پیام
شاه و تخت نرد را بدور سازید. رای نیز هم بدان قرار
هفت روز برای حل این بازی و یافتن راه آن مهلت
خواست. اما بر همان هشت روز وقت گرفتند و سرانجام
پس از بازی را کشف نتوانستند. روز نهم بزرگمهر
به دربار رای هند آمد و گفت شاه ایران بیش از این ما را
درنگ نفرموده است. بر همان ناگزیر به نامه دانسی
خوبی اقرار کردند:

چو شنید، بنشست بوزر جمهر
همه موبدان برگشادند چهر
بگسرد پیش اندرون تخت نرد
همه گردش مهره ها یاد کرد
سپدار بنمود و جنگی سپاه
هم آرایش رزم فرمان شاه ...
همه مهتران آفرین خواندند
ورا موبد پاک دین خواندند
زهر دانی زو بپرسید رای
همه پاسخ آمد یکا یک به جای
خروشی بر آمد زندانندگان
زدانش بیروهان و خوانندگان
که اینست سخن گوی داننده مرد
نه از بهر بازی شطرنج و نرد ...

باقی داستان روشن است. رای هند آنچه که خسرو
نوشیروان خواسته بود به همراه بزرگمهر به ایران
می فرستاد و ایرانیان در این نرد دانش و خرد نیوسر
پیروزی شوند. مضمون نامه ای که رای به شاه ایران
می نویسد بسیار جالب توجه است:
که رای و بزرگان گواشی دهند
به ازیم، از نیک را می دهند
که چون شاه نوشیروان کس بدید
به از موبدان سیزه رگزشید
نه کس دانستی نرد دستور اوی
به دانش سپهر است گنج و راوی
فرستاده ند باز یک سالدیش
و گریستن باید، فرختم پیش ا
در دنیا له؛ این داستان، استاد طوس داستان دین پذیر
نیز در باره بدید آمدن شطرنج می آورد. آن داستان،
که در نامه نامه به " داستان گو و طلحند " معروف است
تفصیلی را در شرح آن مجال جداگانه می خواهد. در
بایان این گفتار با دید گوییم که روزی سر نامور
نوشیروان، بزرگمهر شگفتی نهد افسانه ای و نیمه
بقیه در صفحه ۹

تبهکاری اجتماعی



مساحتی می گردد، تا آنکه شریک زاده رنده چندانی نخواهد داشت. از این گذشته، هرچند که در جمهوری اسلامی انگشت دزدان را قطع می کنند و برای این کار، ماشینها هم اختراع کرده اند، ولی دستها از درون رژیم به سرعت اموال مردم نیز به قدرت بلند می شود. به هیچ وجه نمی توانند تصادفی باشد که اغلب تبهکاران ریها به وسیله ما موران شهر با نی با زاندا رمری کشف می گردد، نیز به هیچ وجه تصادفی نیست که زاندا انقلاب تاکنون، هرچند که یک بار، دزدان خود را به لباس فرا دکمیته یا سپاه درمی آورند و به جان و مال مردم دستبرد می زنند. کارگران رژیم می گویند که این، کار خدا انقلاب است، ولی اگر فرصتی کنند و سرگوشی در میان مردم آب بدهند، بروشنی درخواهند یافت که کدام یک به دزدی و تجاوز شیره اند؛ انقلاب یا خدا انقلاب!

بزرگی ایران شاید به و خا مت تهـزان نباشد، اما به آن اندازه هست که تبهکاری اجتماعی را به عنوان یکی از انگیزه های اصلی نگرانی مردم سرا سرا بران مطرح سازد. در نخستین نگاه، این همه جناحیت در رژیم که یکی از سخت ترین قانون های مجازات عمومی را وضع کرده است، حیثیت آور می نماید. کسی که قانون قصاص رژیم را خوانده باشد، از آن همه وسواسی که در تدوین جزئیات آن نیز یکا رفته است، شاید چنین نتیجه گیری کند که رژیم اسلامی به تبهکاری حساسیت بسیار نشان می دهد، ولی این نتیجه گیری اشتباه است. رژیم به تبهکاری حساسیت بسیار نشان می دهد، به هر حال وساطتی که انتخاب کرده است، نه تنها منبیتی در جامعه بوجود نیاورده، بلکه محیط اجتماعی ایران را از همیشه ناامن تر کرده است. قانون قصاص اگر مدبارم خشن تر و قسوت آمیزتر از این تدوین کرده، مادام که زمینه اجتماعی جناحیت پیوسته

ساختمانی برای سرعت پول، با کارد به چهارتن از دوستانش که با هم در یک اتاق منزل داشتند، حمله کرد، دوتن از آنان را با جاکت و دوتن دیگر را بدست مجروح کرد. مورد دوم: "اعضاء باند راکتی" که به عنوان گشت کمیت شب ها وجوه نقد و اشیاء قیمتی مردم را به سرعت می بردند، به وسیله ما موران آگاهی تهران دستگیر شدند. مورد سوم: "ریا پندگان نوجوانی ۱۴ ساله که قصد داشتند از والدین او ۶۵ هزار دلار اخذ می کنند، توسط ما موران تجسی شهر با نی رشت شنا سائی و دستگیر شدند. مورد چهارم: "سه سارق درده ونگ به خا نسه" پیرمردی وارد شدند، او را خفه کردند و انا نسه خانه او را که ۵۰ هزار تومان قیمت داشت، به سرعت بردند. این تهمان نیز به وسیله شهر با نی دستگیر شدند. مورد پنجم: "دو کارگر مسافری در خیابان ناصر و تهران، مسافری را به خاطر ۱۵۰ هزار تومان پولی که داشت، کشتند و جسدش را در کوچه عربی های تهران انداختند. عاملان این تبهکاری نیز به وسیله ما موران کلانتری ۱۳ تهران شنا سائی و دستگیر شدند. مورد ششم: "دزدان مسلحی که کامیون حامل روغن نباتی را از سا زکشتن رانند" آن روغن را به دام اقتادند. مورد هفتم و هشتم ونهم مربوط به جعل اسناد، خرید و فروش کوبین ارزاق عمومی و اختلاس از صندوق یک میهمانخانه است که اکنون موضوع گفتار ما نیست. تازه اینها جناحیت هائی است که پس از کشف، در رسانه های همگانی منعکس می گردد. گزارش از منابع موثق حکایت از آن دارد که در تهران هر دقیقه یک جناحیت اتفاق می افتد. وضع در شهرهای

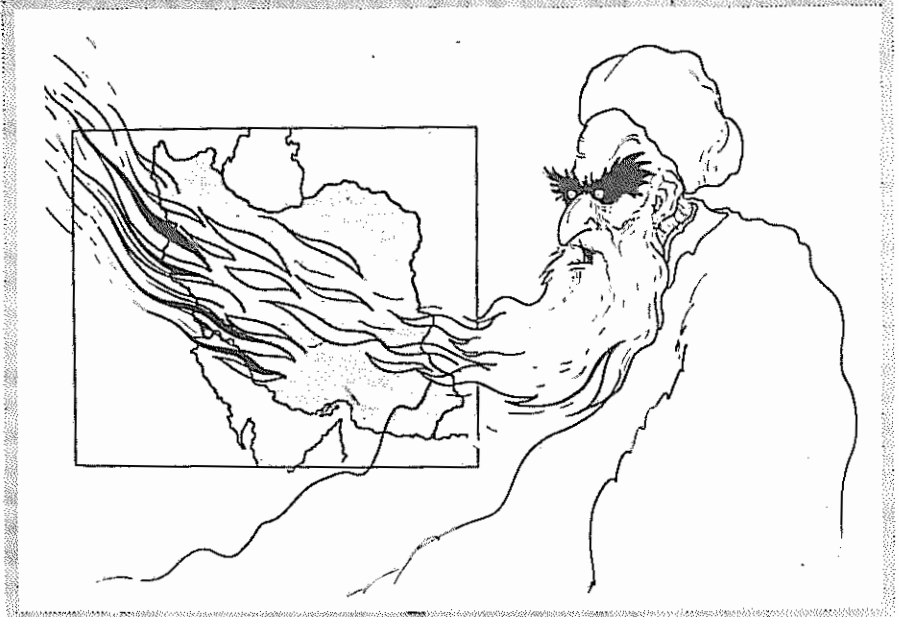
در ایران امروز، تبهکاری اجتماعی دامنه ای چنان گسترده یافته است که با هیچ یک از دوره های تاریخ معاصر ایران قابل مقایسه نیست. تبهکاری بیگمان دارای ریشه های روانی - ارشی نیز هست، ولی زمینه ای که در آن رشد می کند و به صورت مصیبتی درمی آید، اجتماع است. در سطح جهانی، در کشورهای مستمند و محروم، نرخ تبهکاری بسیار بالاتر است تا در کشورهای ثروتمند. حتی در یک شهر، ناحیه ها و محله های فقیرنشین، از تبهکاری اجتماعی بیشتر رنج می برند تا محله های ثروتمند و مرفه. هر آینه، تبهکاری مساهله ای نیست که فقط بتوان با آن از راه های قضائی مقابله کرد. اما دادگستری قصاص در رژیم تهران، یک سره چشم برجسته اجتماعی امر فرو بسته است و فقط آن را در مقوله حد و تعزیر و تقاص می نگرند. مساهله اکنون این است که حدود تعزیر و همه آنچه در قانون قصاص به اصطلاح اسلامی خلاصه شده است، تا کدام باید در کا هت نرخ تبهکاری اجتماعیه سهمی داشته است. واقعیت این است که تبهکاری نه تنها کا هت پیدا نکرده، بلکه افزایش نیز یافته است. مجازات ها هر چند سنگین تر و زیاده ای جیات بسیار قسوت آمیز تر از همیشه شده اند، ولی منحنی تبهکاری همچنان قوس صعودی می بیند. تمام دفعه حوادث دوشماره روزنامه که با آن چاپ تهران، یکی مورخ بیخوشه ۲۲ آن و دیگری مورخ دوشنبه ۲۶ آن، را مرور کرده ایم. موارد ارتشا با اختلاس رانان دیده گرفته ایم. فقط به آن تبهکاری ریها تی برداخته ایم که انسان، موضوع آنهاست. مورد اول: یک کارگر

سفید شده است و کاخ نشینان برای توجیه شکست خود علیه جمهوری اسلامی تبلیغات می کنند، ولی بلاد رنگ از "توجیه دیگری سخن می گویند که روسای آن برای خود او رژیم دغلاکش می نمایند. می گوید: "... مع الاسف بعضی از کسانی که از خودمان هستند، به تبع آن ها، به تبعیت آن ها ... اینجا تبلیغ می کنند. من نمی خواهم ... اسباب افسردگی اشخاص بشوم، لکن می خواهم عرض کنم چرا ما اینقدر عقب افتاده هستیم؟ چرا ما باید به واسطه اغراض نفسانیات اینقدر خودمان را ببازیم؟ وقتی که این همه تزلزل به آن ها دست داده است برای بی اعتنائی ایران به کاخ سفید، چرا ما باید توجیه کنیم مسائل آن ها را؟ چرا ما باید اینقدر غریب زده باشیم یا شیطان زده؟ ..."

از همه سخنان افشاگرانه امام جاران به روشنی برمی آید که اگر یک سوی این رسوائی بزرگ دامن دولت مردان کاخ سفید گرفته است، سوی دیگر آن، لوزه برستون های پوسیده رژیم فریبکار و افکنده است. دیگر با هیچ نطق و خطابه ای، با هیچ ترغیب و تحلیلهای نمی توان این رسوائی تاریخی را جمع و جور کرد.

محمود خوشام

شیطان زدگان!



رادیو ایران ساعت های پختی برنامه

برنامه اول

ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه ۱۵۶۵ کیلوهرتز، ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز)، ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۴ کیلوهرتز) و ۲۲/۵۵ متر (فرکانس ۱۳۲۰ کیلوهرتز).

برنامه دوم

ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه ۱۵۶۵ کیلوهرتز، ۲۱ متر (فرکانس ۹۲۰ کیلوهرتز) ساعت ۲۲/۵۵ تا ۲۳/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه ۱۳۲۰ کیلوهرتز و ۲۱ متر (فرکانس ۹۲۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۹۲۰ کیلوهرتز).

همه آن ها می هستند که خواب جا نشینی "ولایت فقیه" را می بینند و پوست خربزه زیر پای شیخ نجف آبا می اندازند. خمینی در سخنان خود برای آنکه دقیقاً "خود" را رسوا کند، حساب "نق زنان" همیشگی را جدا می کند. می گوید: "... این اشخاص بعضی شان در نظر من بوجند لکن از بعضی دیگر که سابقه دارند هیچ توقع نداشتم ... که در این زمان که با بدفرا دینند سرا میرکا، فریبکار می زنند سر مسئولین ما ... چه شده است؟ شما ها چنانست؟ چه کرده اید؟ شما ها چرا با بدتحت تا شیخ تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحسنت تا شیوات نفسانیت خودتان؟ ..."

خمینی ادعا می کند که "مگ فارلین" را که گویا قا قاتی و با سیورت جعلی به تهران آمده بوده، با رسوائی بیرون کرده اند و همین ماجرا سبب انفجاری در کاخ

دوستان "شیطان بزرگ" را - که سه از مجریان و دست اندرکاران رژیم فریبکار او هستند، افتنا می کند. می گوید: "... شما انصاف بدهید که در یک همچو وقتی، وقت چنین اموری است؟ وقت یک چنین تا نیدی است از کاخ سفید؟ لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید، از لحن اسرائیل هم تندتر است! از لحن خود کاخ نشینان آنجا هم تندتر است!!"

این "شما یان" چه کسانی هستند؟ شیخ رفسنجانی است که دودوزه بازی های پیش را "بچه بگتسی" ها نیز دریا فتدا ندو این او را خراج سبزش را زیر عبا پرنورتر می تاباند. آن دیپلمات "بارانی دزد" مقیم سازمان ملل است که از تغییر موضع شیطان بزرگ کلی دست افشانی می کند.

اما حماران، درست مثل همیشه، سر بزنگاه سکوت خود را شکست، تا تا بدیکار دیگر بتوانند سگان کشتی شکسته و در تلاطم افتاده "ولایت" خود را بجز خا ندو چند صفا حی دیگر بدریای خدعه و مکر و نیرنگ پیش برند. در این چند هفته ای که از رسوائی ارتباط بینانی با "شیطان بزرگ" می گذرد کا رچرخانان جمهوری ولایت، آنچنان ضد و نقیض رفتند و آنقدر به شیوه سنتی اما خود، توی دهان یکدیگر کوبیدند که دیگر جان بی رمق رهبر خود را به لب رسانیدند و تا تش غیظ و غضب او را شعله ور ساختند. تا اینجا قضیه، آنچه که پیش آمده است نه می سابقه است و نه شگفت آور. این از شگردهای مکرر به کار گرفته شده خمینی است که، به محض آنکه می بیند یکی از گروه های تشنه قدرت برای مچ گیری ولجن مالی کسردن آن دیگری از حد متعارف فراتر می رود، بر ایوان حماران ظاهری شود و محکم توی دهان می کوبد.

اما آنچه در این نوبت، در ماجرای این رسوائی فراگیر، رفتار او را متسفوت می سازد آنست که خواسته و ناخواسته بر جوانب مختلف ماجرا صحنه می گذارد و مسئولان حکومت خود را به خیانت متهم می سازد.

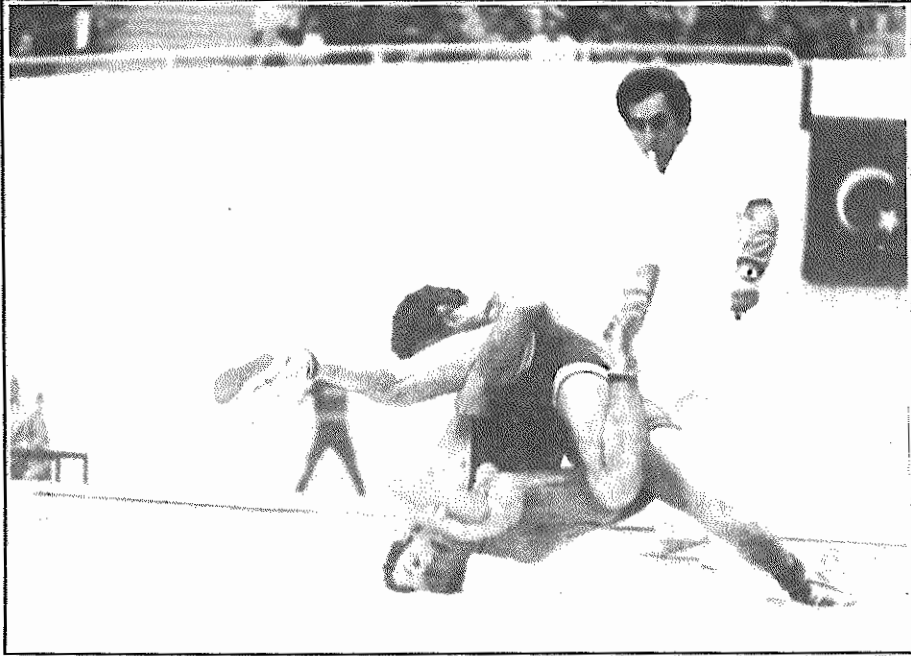
خمینی این بار، لجن جمهوری اسلامی، این رژیم نه غربی نه شرقی را که شعار "مرک بر آمریکا" زده اند نمی افتد، آنچنان بهم می زند که بسته ترین مشامها نیز از ریحا تش بهره مندی شود.

خمینی تا نید می کند که "مگ فارلین" به ایران سفر کرده است. خمینی تا نید می کند که آخوندها در جناح های تندرو و کندرو در برابر هم جنبه گیری کرده اند. خمینی تا نید می کند که تفرقه و دودستگی در میان ملایان شدت گرفته است. و سرانجام خمینی تا نید می کند که گروه مقتصدی از آخوندها که حتی مورد اعتماد دو اطمینان او بوده اند، سرسوزی با شیطان بزرگ داشته اند.

خمینی به مناسبت مصحک "هفته وحدت" خطاب به رسوائان رژیم خود می گوید: "در یک همج روزی گذر روز هفتاد وحدت است، چرا شما می خوا هید تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می خوا هید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید ... چنده است شما را؟ کیا دارید می روید؟! حیرت از همه ..."

خمینی سس از این هم پیش تر می رود و

سرگرمی دو ساله مرکز آمار ایران



تیم قهرمان

بزرگی مثل آمریکا، شوروی، بلغارستان و ترکیه نتوانست کاری بکند و سورا فکننده به تهران بازگشت. نه به علت کوتاهی ورزشکاران، که اینها همان فرزندان عزیز ایرانند، بلکه به این علت، که ورزشکاران اکنون در چهار رجب حزب الله زندانی شده اند. تاء شیر حزب الله تا آن حد بود که حتی در مسابقات پاکستان هم با ختم بهیسا می آید ورم که عبدالله موجود چهره بزرگ کشتی دنیا و المپیک، وقتی می خواست در مسابقات جهانی شرکت کند، قهرمان آمریکا به قهرمان شوروی گفت مدال نقره را من می گیرم و مدال برنز مال تو. آنها سر مدال طلا حرفی نداشتند و آنرا به طور قطع متعلق به موحدی دانستند. فقط سرنقره و برنز دعوا می کردند - حالات تیم کشتی ایران به پاکستان هم می زد...

به ضمیمه ای این نامه، عکس خودم با حریف شوروی را در مسابقات جهانی، تقدیم می کنم.

احمد رضا شی

روزنامه ای قیام ایران درست در همان روزهایی که دکتر شاپور بختیار با شجاعت زاید ا لوصفی نخست وزیر ایران را پذیرفت، و ایران در آتش می سوخت، تیم کشتی آزاد ایران رهسپار مسابقات جهانی مکزیک شد، و در همان حال و روزگار، تیم کشتی ایران، قهرمان سوم جهان شد. و این امتیاز میان تیم های شرکت کننده از قاره ای جهان به دست آورد، و با وجود اعتصابات و نا راحتی های داخل کشور، آمادگی خود را حفظ کرده بود. و خوشبختانه این افتخار را به دست آورد که حریفان خود را با ضربه فنی و یسا بسا امتیاز مطلوب کند و کاب مقام سوم جهان را نصیب خود سازد. که متاء سفانده دیگر فرصت این را نیا فتنیم که قبل از فتنه ای خمینی، خدمت دکتر بختیار نخست وزیر ایران برسیم. این موقعیت تیم کشتی ایران در آن زمان بود.

حال می شنویم که تیم کشتی ایران، در مسابقات جام آسیا، برغم غیبت حریف های

نیا مده بودا ز این امکانات بهره می گرفت تا اینکه با نا بود ساختن این وسایل تحت شعرا رمبا رزه با امپریالیسم جهانخوا روپا بزا نود آوردن مستکبرین و خائن نشین ساختن متخصصین کامپیوتر و بستن رشته مزبور در دانشگاه، گسار بجای رسیدی است که رئیس مرکز آمار ایران به عجز دستگا ه خود در نداشتن ماشین های محاسبه و متخصصین مربوط اعتراف می کند و اخذ تاج سر شماری را به دوسال دیگر حواله می دهد.

اگرچه ضعف و نارسایی نسبی در مسائل آماری و آمارهای رقا مدرسال های گذشته نیز وجود داشته ولی از سال ۱۳۴۵ مرکز آمار ایران که به عنوان یگانها دوتولید کننده آمار و اطلاعات کشور بشمار میرفت پایه گذاری شود و زیر چتر سازمان برنام بودجه کشور فعالیتش را آغاز کرد. بتدریج سعی برای این بود که از واقع موجود در این زمینه حتی المقدور کاسته شود که اگر آید آل نبود ولی در راه کمال پیوست می رفت.

در صورتی که امروزه رژیم هنوز نمیداند جمعیت پایتخت چه تعدادی است، چند روستا از کنگه خالی مانده، نسبت روستایی به شهری چه میزان است و یا اصولاً چه مقدار تولید و برداشت در سطح روستا ها داریم و نیا زخوراک مردم تا چه حدود است و...

بعلمت همین نارسایی ها است که مسئولین و دست اندرکاران رژیم بنا خود آگاه مطالبی از " زبان آمار " جاری می سازند که نتیجه آن جز تمسخر و پوزخند مردم نتیجه دیگری ببار نمی آید و دوسال " با تاریخی که آقای جمشیدی برای تعیین نتایج قطعی سر شماری عنوان کرده اند می باید منتظر شنیدن این چنین سخنانی از زبان سرمداران با ششم البته اگر رژیمی تا آن زمان وجود داشته باشد.

در این زمینه ذکر چند نمونه از بیسن گفته ها که فی بنظر می رسد:

نماینده کوه دشت در سخنرانی قبیل از دستور خود در مجلس شورای اسلامی می گوید: " تمام آمارهای وزارت کشاورزی حتی یک نفر برای یک نوبت غذا هم سپر نمی کند " و از سوی دیگر نماینده با سسل در ۱۹ اردی بهشت ماه ۶۴ به دنده دیگر افتاده و یکبار ه اعلام می کند " آمار و ارقام بودجه ما به تنهایی از بودجه کشور چین با یک میلیار د جمعیت بیشتر است. این ارقام به تنهایی حتی از بودجه کشور ترکیه و هندوستان با بیست و یک میلیار د جمعیت بیشتر است "!

توجه به گفته های مسئولین رژیم در هفته دولت نیز که از روز ۲۴ مهر سال ۱۳۶۴ به مدت یک هفته در تهران تشکیل شد خود گویای حقایق است که روشن میسازد چگونه حتی مقامات بلندپایه دولتی نیز از روی هوی و هوس و بدون کمترین پروا ای آمار و ارقام را به مسخره گرفته و اطلاعات بدون محتوایی بخورد مردم می دهند.

آقای رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در این جلسه می گوید " خدمات شش ساله رژیم بر بروحتی بیشتر از

معاون وزیر مشاور و رئیس مرکز آمار ایران در جمهوری اسلامی آقای دکتر مجید جمشیدی در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات هیجدهم مرداد ماه ضمن بر شمردن اهمیت آمار و اینکه " آمار و اطلاعات تکیه گاه های ملی برنا مریزی برای توسعه بشمار می رود " که سخنی است منطقی و اصولی گفت " با مقدما تی که از چندین پیش فراهم شده است از پانزدهم مهر ماه سال جاری به مدت دو هفته سر شماری عمومی در سرتاسر کشور انجام خواهد گرفت. " نا مبرده اگرچه کل مدت سر شماری را تنها دو هفته کافی دانسته است ولی بلافا صله آغاز کرد: " از آنجا که سر شماری عمومی عظیم ترین کار آمار ی هر کشور است و استخراج نتایج آن به زمان و ماشین های کامپیوتری و الکترونیکی نیا زدا رد و با دست و منگیز غیر مسلح نمی توان به سراغ این آمار های وسیع رفت به لحاظ اینکه ما در استفاده از ماشین های کامپیوتر و متخصصی در این رشته محدودیت داریم، لذا نتایج استخراجی از سر شماری عمومی تا دوسال پس از پایان سر شماری یعنی پایان مهر ماه سال ۱۳۶۷ مشخص خواهد شد. "

بهر حال از واسط مهر ماه ۱۳۶۵ سر شماری در ایران آغاز شده و البته هنوز کار بجای نرسیده اعلام گردیده است که بر مبنای کوپن های صادر شده جمعیت ایران کمی بیش از ۴۸ میلیون نفر است و همینطور نتیجه گیریهای دیگر، اما آنچه که در این اقدام قابل بررسی است اینکه اگر طبق موازین علمی " برنا مریزی بخاطر سر شماری در هر مملکتی بعنوان اساسی ترین حرکت های اقتصادی و اجتماعی هر جامعه بشمار می رود و برای اجرای آن ضرورتاً به ارقام و آمار دقیق نیا زاست، پس بنا به گفته آقای جمشیدی، بخاطر اینکه مرکز آمار ایران دسترسی به کامپیوتر نداشته و متخصصین در این زمینه در اختیار ندارند، می باید حرکت و تلاش برنا مریزی در ایران برای مدت دوسال معوق بماند تا پس از انتشار نتایج حاصله که لابد محاسبات مربوط به کمک چرتکه و دست و منگیزهای غیر مسلح صورت خواهد گرفت، قدم های بعدی برداشته شود. دوسال انتظار که معلوم نیست رویدادها چه سرنوشتی را برای فردای رژیم رقم زده است.

در دنیای امروز ما هدهستیم که دانشمندان کشورهای پیشرفته شبانه روز آمار و اطلاعاتی تا زده زما می پدید می آید که جهان تهیه و تنظیم می کنند تا مسئولان حکومت ها بر اساس آن ها سرنوشت دنیا را تعیین نمایند و در این زمینه بدون تردید بیروزی از آن کسانی خواهد بود که آگاهی و آمار صحیح تری در دست داشته باشند، گذشته از مالک پیشرفته، بهره گیری از آمار و روشنش آنها به کمک ماشین های کامپیوتر و دستگا ه های الکترونیکی حتی در بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز در زمره یکی از ضروری ترین وسایل زندگی در آمده است و ایران ما نیز تا وقتی که کامپیوتر توسط آوندها جزء عوامل استکبار جهانی بشمار

پیشرفت های آمار ی، تنها امدادهای غیبی و رهنمودهای امام امت و اندر زهای اما ما ن جمعه تا شیر قاطع داشته اند نه اقدامات آقایان وزرا ! ...

در این رابطه مشغول بررسی است و پیشنها دنده است به جای اعزام دانشجویان استاد مربوط به کشور دعوت شود.

ارز دانشجویی

در تهران گفته شد به زودی ارز دانشجویی به مقدار زیاد دی کاش خواهد فست و ارز بسیاری از دانشجویان ایرانی در خارج قطع خواهد شد.

چندی پیش آئین پور معاون دستمان عمومی تهران و سرپرست داسرای فرودگاه مهرآباد بسیاری از دانشجویان خارج از کشور را متهم کرده که با جعل مدارک از مؤسسات آموزشی ای که وجود خارجی ندارند از در دریافت می کنند، وی تهدید کرده بود که این دسته از دانشجویان تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی نیز در مراسم نماز جمعه ای ام آبان ماه تهران، برداشت ارز به دانشجویان ایرانی در خارج از کشور را مورد انتقاد قرار داد و گفت: این افراد با پول این ملت علیه نظام شعمار می دهند، یا بیدا زخا تمه تحمیل به کشور با زنی کردند، وی افزود: وزارت علوم

روابط پنهانی

سوی برخی از نمایندگان در چند مورد دیده شده است، به اعتبار مجلس خدشه وارد نخواهد شد؟

یادآوری می شود رژیم ولایت فقیه، از آغاز عمر مجلس شورای اسلامی تا کنون، چندین نماینده دست چین شده خود را برکنار ساخته، فراری داده یا زندانی کرده است.

آخرین نماینده مورد غضب قرار گرفته که زندانی شده است، احمدکاشانی است. وی به اتهام توطئه در ارتش چندی پیش بازداشت شد و رژیم تا کنون هیچ خبر دیگری درباره وی منتشر نکرده است.

احمدکاشانی قبل از دستگیری، در جلسه ۸ آبان ماه مجلس، از وزارت کشور، در باره حمله به مطب پزشکان افغانستان در جریان اعتصاب های تابستان گذشته توضیح خواسته بود و محتشی وزیر کشور وی را به طرفداری از ضد انقلاب متهم کرده بود.

در پی سخنان شدیدالحن آیت الله خمینی در ۲۸ آبان ماه در ارتباط با تن آزمانندگان مجلس شورای اسلامی که طی نامه ای از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، خواستار توضیح درباره روابط پنهانی برخی زسبران جمهوری اسلامی با مقام های آمریکایی شده بودند، روزنامه ارگان حزب خا منهای - رفسنجانی، در سرمقاله دوم آذر ماه خود این عده از نمایندگان را مبتلا به بیماری شیطان زدگی نامید و آن ها را اسیر دسیس و اغفال شده شیطان دانست.

روزنامه جمهوری اسلامی نه تنها این عده از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بلکه آن دسته از آن ها را که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی از عملکردهای رژیم اسلامی، انتقاد کرده اند، بیمار شیطان زده خوانده است.

روزنامه میا دنده، نوشته است: آیا با حرکتی که در یک سال اخیر به تناسوب از

پرونده های ساواک

هفته نامه "نوول اسپروا تور" حساب پارسی نوشت: احتمال افشای پرونده های ساواک درباره سوابق ملاها بیشتر است. آوندهای جمهوری اسلامی را به لاسرزه در می آورد. در این پرونده ها، اساساً می آوندهای حقوق بگیر: زساواک ذکر شده است. به نظرمی رسد که این پرونده ها به چنگ با ندمنتظری افتاده است که مخالف مذاکره با آمریکا هستند.

نوول اسپروا تور می افزاید: اعضا سا زمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی به تحریک آوندها منزل منتظری را در غیبت او برای بدست آوردن این پرونده های تفتیش کردند، اما چینی بدست نیا وردند.

اولین کمک ریگان به خمینی

روزنامه‌ها تا میزماچاپ لندن زیر عنوان "اولین بار که ریگان به خمینی کمک کرد" می‌نویسد: در یک بعد از ظهر گرم خردادماه ۱۳۶۱، یک دیپلمات تنومند روسی توموییل خود را در مرکز شهر تهران پارک می‌کند و نا پدید می‌شود. یک ساعت بعد در گرملین زنگی خطر به صدا درمی‌آید و امروز، این واقعه، که در آن دوران توجهی بدان نشد، بسیار دیگر مطرح شده است تا با مسئله معاملات اسلحه ریگان با رژیم خمینی را سنگین تر سازد.

این دیپلمات که ولادیمیر کوزیچکین نام دارد، در آن زمان ۳۵ ساله و یکساز ردا ر سفارت شوروی در تهران بود. او از اعضای برجسته بخش "اس" در سازمان اطلاعات شوروی، "کا.گ.ب" و سرپرست "سپا" بود. موران و همکاران شوروی در ایران بود که بعضی اعضای حزب توده، حزب کمونیست ایران نیز در میان آن‌ها بودند.

کوزیچکین از ایران به انگلستان فرار می‌کند و در آنجا پرونده‌های حاوی نام و مشخصات تمامی شبکه‌های سوسی.کا.گ.ب در ایران را به مقامات ضدجاسوسی انگلستان تسلیم می‌کند.

سازمان ضدجاسوسی انگلستان پس از با زجوشی‌های مکرر از کوزیچکین در یک خانه روستایی درسکس، که ما همیابا به طول می‌انجامد، به او اجازه می‌دهد که به آمریکا برود و مورد با زجوشی "سپا" قرار گیرد. پرونده‌های سازمان "کا.گ.ب" در ایران به سپا نیز داده می‌شود. بنا به گزارش‌های واشنگتن، پس از مدت کوتاهی بنا بر تصمیم مشترک سازمان سپا و سازمان ضدجاسوسی انگلستان، این پرونده به مقامات جمهوری اسلامی تسلیم می‌شود. عملیات دستگیری در ایران به سرعت آغاز می‌شود. گفته می‌شود حدود ۲۰۰۰ موروجا سوس اعداد می‌شوند و ۱۸ دیپلمات شوروی از تهران اخراج می‌گردند. شبکه "کا.گ.ب" در ایران از هم می‌گسند.

اکنون که ریگان بر سرماچرای معامله اسلحه برای آزادسازی گروگان‌ها مورد

انتقادهای روزافزون قرار گرفته است، ما چرای کوزیچکین نیز از زودتر محافل دولتی واشنگتن مطرح شده است. چرا که نشان می‌دهد که آمریکا از سال‌ها پیش با رژیم خمینی دادوستدهای پشت‌پرده داشته است.

به گفته مسئولان دولتی آمریکا، این یکی از جمله اقداماتی است که برای بدست آوردن دل مقامات جمهوری اسلامی وکاستن از تا شورش شوروی در کشور که با شوری هم‌مرز است و برای غسربارزش استراتژیک مهمی دارد، صورت گرفته است.

کوزیچکین پیش از آنکه به انگلستان فرار کند مدت ۵ سال در ایران کسار کرده بود. او سرپرست "موران" نفوذی کا.گ.ب بود. یعنی آن دسته از

اتباع شوروی که برای کسار در زیر پوشش‌های دیگر و با نام‌های جعلی تربیت شده اند تا در نقاط کلیدی حکومت‌ها و صنایع دفاعی کشورها نفوذ کنند و در ایران، ما موران سطح پایین خود را از میان ایرانی‌ها انتخاب می‌کنند. کوزیچکین به سراغ ایران سفر کرده با گروه‌های عشا پیری و ایلات روابطی برقرار کرده بود.

مسلم است که او جاسوس دو جانبه‌ای بوده است که بیشتر برای انگلستان کار می‌کرده است. و در نتیجه پناهنده شدنش به انگلستان لازم بوده است چرا که در غیر این صورت جانش بخاطر می‌افتاد.

تا میز لندن - ۲۱ نوامبر ۸۶

مشتی از خروار

هفته‌ها مه‌دفاعی جینز چاپ لندن، در شماره "تا زه" خود نوشت: سلاح‌هایی که جمهوری اسلامی از آمریکا خریده است، تنها مشتیی از خروار و گوشه‌های سلاح‌هایی است که رژیم تهران بطور پنهانی از دیگر

کشورها و بازارهای بین‌المللی خریده است.

به نوشته هفته‌نامه "جینز" در ۲ سال گذشته طی مذاکرات محرمانه جمهوری اسلامی میلپاردها دلار صرف خرید موشک، هواپیما، تانک و قطعات یدکی از شرکت‌های اروپایی، اسرائیلی، کشورهای شرقی و آمریکای جنوبی کرده است.

جینز می‌نویسد: جمهوری اسلامی مقادیر معتدنی بهی اسلحه از کشورهای کره شمالی، چین، برزیل، سوریه، آرژانتین، لیبی، بلژیک، ترکیه و اسرائیل خریده است که از آن‌ها از طریق بنا در چین و کره شمالی و سوریه به ایران رسیده است.

بر اساس این گزارش، جمهوری اسلامی حتی تانک‌ها و قطعات توپخانه خود را که دو سال پیش به جنگ عراق دادند به خود داده بود. با صرف مبلغ هنگفتی از بازار سیاه اسلحه بین‌المللی با خریده است. واسطه‌های این کارچندتن عرب و سوئیسی بوده اند و جمهوری اسلامی برای با خریده سلاح‌های خود از عراقی‌ها صد میلیون دلار پرداخت کرده است.

چین کمونیست هم به جمهوری اسلامی وهم به عراق اسلحه فروخته است. چین از آغاز جنگ تا سه سال پیش معادل ۱/۵ میلیارد دلار اسلحه به عراق داده است و سال گذشته قرار دادی به ارزش ۱/۶ میلیارد دلار با رژیم تهران امضاء کرد که بر اساس آن قرار است ۵ هواپیمای شکاری ژ-۷ که نوع چینی هواپیمای میگ-۱۲ است به همراه تانک و موشک زمین به هوا به جمهوری اسلامی بفروشد. تا بحال حدود ۲۰ شکاری چینی از طریق پاکستان به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است.

رژیم خمینی تعداد زیادی موشک ضد تانک آمریکا نیز از قاچاقچیان اسلحه و از طریق کشورهای اروپایی خریداری کرده است. بهای هر یک از این موشک‌ها بطور عادی معادل ۶ هزار دلار است اما جمهوری اسلامی برای خرید هر یک از آنها ۱۶ هزار دلار پول داده است.

هفته‌ها دفاعی جینز، همچنین می‌نویسد: که دولت کمونیستی ویتنام، در تیرماه سال یک قرار داد ۴۰۰ میلیون دلاری با جمهوری اسلامی امضاء کرده است که بر اساس آن قرار است ۸۰ تانک - ۱۲ شکاری اف-۵ و مقادیر زیادی مهمات و قطعات یدکی را که آمریکا طی جنگ ویتنام در آن کشور بجای گذاشتند به جمهوری اسلامی تحویل دهد.

نقض قوانین

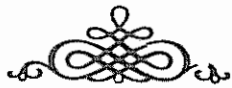
پس از آن که در آمریکا فاش شد و جوده حاصل از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی، صرف کمک به شورشیان نیکارا گشته شده است، بسیاری از نمایندگان کنگره آمریکا اعلام کردند که در این میان قوانین آمریکا زیر پا گذاشته شده است.

وزارت دادگستری آمریکا بدستور رونالد ریگان، رئیس جمهوری آن کشور تحقیقاتی را آغاز کرده است تا معلوم شود حتماً لا کدام یک از قوانین آمریکا نقض گردیده است. این قوانین عبارتند از:

۱ - قانون کنترل صادرات، بر اساس این قانون، فروش کالا به هر کشور ممنوع است.

۲ - قانون کنترل صادرات جنگ افزار، بر اساس این قانون، هرگونه صادرات جنگ افزار که ارزش آن از ۱۴ میلیون دلار تجاوز کند باید با اطلاع کنگره انجام گیرد.

۳ - قانون امنیت ملی که از سال ۱۹۴۷ میلادی تا ظریف رعایت‌های سازمان "سیا" است. بر اساس این قانون، کلیه عملیات مخفی سازمان "سیا" باید قبلاً به اطلاع کنگره برسد. چنانچه دولت از نظر رعایت مصالح امنیتی نتواند این قانون را رعایت کند موظف است ظرف فرصتی معقول موضوع عملیات را به اطلاع کنگره برساند.



اتباع آمریکایی در لبنان دست دارد. وی افزود: من مایل نیستم سخنی بر خلاف گفته‌های رئیس جمهور بگویم، اما بنظر من، همواره نشانه‌هایی از ارتباط جمهوری اسلامی با تروریسم وجود دارد.

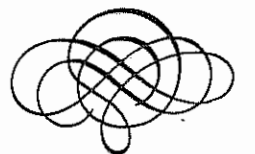
اعتراض رؤسای جمهوری

رؤسای جمهوری پیشین ایالات متحده آمریکا، جرالدفورد و جیمی کارتر، ریگان را بخاطر معامله پنهانی با جمهوری اسلامی قاطعانه مورد انتقاد قرار دادند.

جرالدفورد و جیمی کارتر که متفقاً "ریاست کنفرانس بین‌المللی دموکراسی را بر عهده دارند در مصاحبه‌های

با شبکه تلویزیونی ان.بی.سی ضمن اعتراض شدید به رئیس جمهوری کنونی آمریکا اظهار داشتند که تحویل سلاح به رژیم جمهوری اسلامی به مثابه پرداخت باج برای آزادی گروگان‌ها بشمار می‌رود.

جرالدفورد اضافه کرد که با اینکار خود، ریگان حیثیت و اعتبار ایالات متحده آمریکا را نزد اروپائیان و کشورهای عرب دوست خدشه دار کرده است.



پشتیبان تروریسم

جان وایت‌هد معاون وزارت امور خارجه آمریکا تا بیاید کرد که وزارت خارجه آمریکا در تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی کوچکترین نقشی ایفا نکرده است.

وی که در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا سخن می‌گفت عملاً مخالفت وزارت خانه‌ی متبوعش را با فروش اسلحه به جمهوری اسلامی که از سوی کاخ سفید تصمیم گیری شده بود اعلام داشت.

وی گفت: وزارت خارجه آمریکا هنوز هیچگونه تصویر روشنی از آنچه در این زمینه به وقوع پیوسته است ندارد.

وایت‌هد گفت اعمال شورای امنیت ملی باید مجدداً مورد بررسی قرار گیرد. و ما در وزارت امور خارجه، همواره با اقدامات این شورا دچار مسئله می‌شویم. وی درباره‌ی وزیر خارجه آمریکا گفت: در آغاز جورج شولتز در بسیاری خط مشی‌های سیاسی مشورت می‌شد، اما پس از آن شولتز را به صورتی بریده بریده از مسائل آگاه می‌کردند و سخنی از جزئیات نبود.

وایت‌هد مسئله‌ی بهبود روابط آمریکا با جمهوری اسلامی را مورد بحث قرار داد و گفت این رژیم همواره از تروریسم پشتیبانی کرده است. و در گروگان‌گیری

عامل خرابکاری

ایران به وسیله تریلرها و تانک‌های نفتکش، اسلحه و مواد منفجره به خاک ترکیه وارد کنیم. ما در نظر داریم شهرهای مختلف ترکیه مانند قارصا، غدر و سیواس به سازماندهی تشکیلات زیرزمینی بپردازیم. فعالیت‌های مخفیانه ما توسط کارمندان شرکت نما بندگی و تجارتی ایران کنترل و هدایت می‌شود. علی‌کنند گفته است به من دستور داده بودند با کارمندان این شرکت تماس برقرار کنیم.

در باره نوع فعالیت‌های خود، علی‌کنند اضافه کرد: فعالیت ما بیشتر تبلیغ انقلاب اسلامی و جلب افراد مستعد به منظور تعلیم و تربیت آن‌ها بود. ما می‌خواستیم جوانان طرفدار خود را به منظور کسب آماجگی و تعلیم‌های لازم به اردوگاه‌های تعلیماتی در قم و شهرهای مختلف ایران اعزام کنیم. علاوه بر این، ما در لبنان و سوریه نیز کمپ‌هایی به همین منظور آماده کرده بودیم.

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸

حکومت شیطان

و حکومت رحمانی!

بقیه از صفحه ۱

درین چند هفته، بعد از افشای روابط پنهان و واشنگتن - تهران، دودولتست مجبور شدند راجع به این قضیه توضیح بدهند. یکی دولت آمریکا بود، یعنی دولتی که آیت الله خمینی آن را مظهر خپالت شیطان معرفی می کند و یکی هم جمهوری اسلامی.

در آمریکا، کسانی که بنحوی در جریان وقایع قرار داشتند، از رئیس جمهوری گرفته تا مشاوران وی، یکی بعد از دیگری در مقابل مردم ظاهر شدند و آنچه را گفتنی بود گفتند و دلایل خودشان را برای کارهایی که کرده بودند بر شمرند. برخی گفتند کاری که شده درست بوده است، برخی گفتند اشتباه بوده است و بهر حال مسئولیت آن را پذیرفتند.

این مال دولت، اما بشنویم از مردم و مطبوعات و مجلس.

با وجود آنکه رئیس جمهوری و مشاوران او چیزی را مخفی نگذاشته اند، مردم آمریکا هنوز توضیحات بیشتری می خواهند. در نتیجه، کنگره آمریکا تحقیقات وسیعی را آغاز کرده است که ببیند آیا رئیس جمهوری و همکارانش در جریان این ارتباطات محرمانه مضموم "ارسال اسلحه به ایران، از حدود قانون خارج شده اند یا اینکه در محدوده اختیارشان عمل کرده اند. در همین حال، مطبوعات آمریکا هر روز مطالب تازه تری کشف می کنند و گزارش می دهند و اکنون هر فرد ساده آمریکا می تواند اطلاعات دقیقی از روزساعت و چگونگی تماسها و نقلیه و واسطه ها و میزان و نوع سلاحهایی که از طریق اسرائیل به ایران حمل شده است در اختیار دارد.

حال ببینیم در آن سمت دیگر، یعنی در رژیم فقیه، در حکومتی که قانون خود را قانون قرآن و هدف خود را ترویج احکام و اخلاق اسلامی معرفی می کند، راجع به همین مسأله چه توضیح می دهند.

سرخ ارتباط با آمریکا را در جمهوری اسلامی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع و امام جمعه موقت تهران بدست داشته است. بنا بر این کسی که می باید و می تواند راجع به این مسأله توضیح بدهد حجت الاسلام رفسنجانی است. اگر در رژیم آیت الله حداقل اصول اخلاقی رعایت می شد و این گروه عمده سیاه و عمده سفید در زور و پهنی که به نام اسلام حکومت می کنند بنای کارشان یکسره بر دروغ و ریا استوار نمی بود این طور مثل روبا ه دشمن در تله گیر نمی کرد. اما چون دروغ را پایه کارشان قرار داده اند برای اینکه یک دروغ را قابل هضم کنند مجبورند دروغ بزرگتری چاشنی آن بزنند.

آقای رفسنجانی می توانست در کمال سهولت به مردم ایران توضیح بدهد که بلی، مادر حال جنگ هستیم و به اسلحه احتیاج داریم و چون درین چند سال برای بدست آوردن سلاحهای آمریکا از بازار سیاه هزار جوره کلاه سرمان رفت و بیشترین بها را پرداختیم و در مقابل سلاحهای فرسوده و گاهی آهن یا ره تحویل گرفتیم، آخرش به این نتیجه رسیدیم که بهتر است مستقیماً با آمریکا می خریدیم و وارد می شدیم.

در دنیای امروز، با این همه وسائل ارتباطی که هست نمی شود چیزی را که مردم پنج قاره فهمیده اند از ملت پنهان کرد ولی رژیم آخوندها این را نمی فهمد و چنان درگنداب دروغگوئی و ریاکاری غرق شده است که نمی تواند حتی بمصلحت خودش یک کلمه حرف راست بزند. نتیجه اینست که آقای رفسنجانی، در حالی که لباس زهد و تقوی، لباس تقدس و روحانیت در بر دارد، برای اینکه قضیه ارتباط با آمریکا را مستمالی کند،

مرگ بر آمریکا



ساعت ها چشم در چشم مردم دروغ بهیم می بافد و دروغ های او در دنیا منعکس می شود و اهل عالم مات و میبوت میشوند که مگر ممکن است یک روحانی اینطور بیشترمانه دروغ بگوید و یک حکومت مذهبی که آیت الهی در رأس آن واقع است در مقام نیرنگ بازی و جعل و تزویر تا این درجه گستاخ باشد؟

حجت الاسلام رفسنجانی می گوید در جواب ژاپنی ها، ما گفتیم که با ورنمی کنیم در لبنان گروهان آمریکا می وجود داشته باشد. این ادعای آمریکا می است و در صورتی که ادعای آن ها صحت داشته باشد خودشان گروهان گیری را ترتیب داده اند! بعد از مدتی که ما نوشتیم و نام نوشتند و نوشتیم و گفت و گو کردیم آن وقت ما یواش یواش فهمیدیم که در لبنان گروهان هست. تا آن وقت واقعاً نمی دانستیم! ... با زبیا و برو و بگو و بشنو، تا یک روز خبر دادند که به وسیله هواپیما می که برای ما اسلحه آورده بود پنج نفر با لباس خدمه هواپیما و گذرنامه های مجعول ایرلندی وارد تهران شده اند و می گویند ما آمریکا می هستیم و از طرف آقای ریگان پیغام آورده ایم. ما سه ساعت و نیم آن ها را در فرودگاه معطل کردیم و با دوستانمان جلسه تشکیل دادیم و مسأله را به عرض حضرت امام رساندیم و

امام فرمودند با اینها مذاکره نشود، بیامشان راهم نگیرید. آن ها را به هتل منتقل کردیم و در هتل یکی از آنها گفت که مک فارلین است و یکی دوفرد دیگر هم از مشاوران آقای ریگان هستند. با سپورت های آن ها را گرفتیم. عکس درست است. یعنی قیافه به قیافه مک فارلین می آید و ممکن است همان باشد. البته ما هنوز مطمئن نیستیم که صد درصد آنها باشند چون کسی درست با آنها صحبت نکرد که بفهمد این ها واقعا همان ها هستند یا نه!!

این خلاصه داستان است که حجت الاسلام والمسلمین، رئیس مجلس شورای اسلامی از ماجرای تماس های محرمانه با آمریکا و سفر مک فارلین به تهران سرهم بافته و تحویل امت اسلام داده است. آقای رفسنجانی وجود گروهان آمریکا را در لبنان با ورنمی کند، وساطت اسرائیل را بین واشنگتن و تهران با ورنمی کند، هویت مک فارلین را با ورنمی کند و لی انتظار دارد امت اسلام داستان فکا می او را با ورنکند!

در مطبوعات جمهوری اسلامی، جزمین مهملائی که سرکردگان رژیم تحویل داده اند خبر دیگری دیده نمیشود و هنگامی که تندی چندا زمانیدگان مجلس بخود جرات می دهند و از وزیر خا رجسه دعوت می کنند توضیحات بیشتری راجع به این ارتباطات پنهان در اختیار مجلس بگذارند حضرت امام تشریح زندگانه این فضولی ها به مجلس نرسیده است. و کلا سئوالشان را بی می گیرند و رئیس مجلس می گوید اکثریت نمایندگان نامنهائی نوشته اند و خواسته اند به عرض امام برسانیم فضولی معدودی و کیل وظیفه شناس آن ها را شرمند کرده است و استدعای عفو دارند!

این حکومت رحمانی است و آن حکومت شیطان است. این طرز حکومت کردن فقیه و علمای اسلام است که آیه های متعدده قرآن مجید را در باره عذاب دروغگوئی و فریبکاران مکرر خوانده اند و آن طرز حکومت کردن در کشوری که به قول این بزرگواران فساد سراپا پیش را گرفته و از اخلاق انسانی اثری در آن باقی نمانده است!

قا در به پذیرش بیما را مطابق با ظرفیت خود نیستند. به عنوان مثال بیما رستان کودکان در تهران که با تصدخت دارد، نمی توان ندیش از شصت بیما را بپذیرد. این امر باعث درگیری روزمره مردم با پزشکان و کارکنان بیمارستان ها میگردد. عوا مل رژیم با خصومت آشکاری که با پزشکان و کارکنان رسته های پزشکی دارند، با احتکار دارو و ایجا دکمیبود مصنوعی بیشتر به این درگیری دا من می زند و می خواهد تا این طریق مردم را رودر روی پزشکان قرار دهند. از سوئی جنگ به دست رژیم بیما نهاده است که به عنوان نیاز "شکر با ن اسلام" وسایل جراحی و درمانی و دارو را کاملاً در اختیار بگیرند و از سوی دیگر آنها را به دست عاملان خود به زاریا رسیده لوازم پزشکی را زبیری کنند. بیما رستانهای خصوصی در بسیاری موارد ناچار از بستن بیما رمی خواهند که خود وسایل لازم را از بیما رسیا خریداری کنند.

مستقل علیه فرودگانه که در اصفهان به اشغال پاسداران درآمد بود عمل کرد و آن را از جنگ پاسداران خارج ساخت. از آن زمان درگیری های پراکنده بین نیروهای ارتش و پاسداران ادامه دارد. افشای مسافرت مخفیانه مک فارلین به تهران و مذاکرات وی با مسئولان جمهوری اسلامی این اختلافات و درگیری هارا تشدید کرده است.

کمبود وسایل درمانی

به گزارش منابع داخلی، درگیری رژیم با پزشکان و کمبود وسایل درمانی، بیما رستان های خصوصی را در معرض تعطیل قرار داده است. بیما رستان های خصوصی که با کمبود وسایل و تجهیزات درمانی مواجه اند،

به همین دلیل نیاز به وسایل یدکی بسیار افزایش یافته است و با توجه به کمبود آن بهای لوازم یدکی رسماً آور شده است.

از سوی دیگر کمبود نفت و بنزین و حتی گاز و برق همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارشها، بسیاری از کشتیهای جمهوری اسلامی در شرکتی که زوت در بنادر جنوب متوقف مانده اند. بهای نفت در بیازار سیاه به لیتری ۶ تومان رسیده و کمپون بنزین به مبلغ ۳۵۰ تومان خرید و فروش می شود که عملاً بهای بنزین را به لیتری ۱۴ تا ۱۵ تومان رسانده است. در استان های شمال کشور، آذربایجان و جنوب نفت و بنزین فوق العاده نایاب است.

به گزارش عنا صر ملی، از سه ماه پیش تا بحال درگیری های پراکنده بین سیاه پاسداران و نیروهای ارتش همچنان در اصفهان ادامه دارد. بر اساس آیین گزارش سه ماه پیش هوا نیروی مطبوعات

مشکل نفت و بنزین

تصفیه نا قس بنزین در پالایشگاه های جمهوری اسلامی باعث آلودگی هوا و خرابی سریع اتوموبیل ها می شود. عنا صر ملی از درون وزارت نفت جمهوری اسلامی گزارش دادند که به علت از کار افتادن تشکیلات تصفیه در پالایشگاه ها عملاً تصفیه بطور نا قس انجام می گیرد. به همین دلیل میزان سرب موجود در بنزین بسیار بیشتر از میزان استاندارد بین المللی است. این امر باعث سوزنیدن بنزین می شود. کارآئی آن را کم می کند و سرب بجای مانده در سرنسورها اتوموبیل ها را به سرعت خراب می کند و سوختن آن باعث آلودگی هوا می شود.

به گفته عنا صر ملی در وزارت نفت، در حال حاضر به هیچ وجه روغن اتوموبیل در داخل کشور تولید نمی شود بلکه روغن های سوخته در پالایشگاه ها بطور نا قس تصفیه می شود و دوباره بدست مصرف کنندگان می رسد. این امر نیز خرابی و استهلاک اتوموبیل ها را بیشتر می کند.

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد

تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران - لندن شماره ۲۲۱۰۶۶۸

جزئیات نبود. وایت هد مسئله بهبود روابط آمریکا با جمهوری اسلامی را مورد بحث قرار داد و گفت این رژیم همواره از تروریسم پشتیبانی کرده است. و در گروگان گیری